

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال چهارم، شماره سی و چهارم، اردیبهشت ۹۶

- * آغاز به کار کرسی مطهری پژوهی در پژوهشگاه؛
- * دکتر قبادی در نشست «صلح، کلید امنیت جهان در پرتو پیام رسول الله»: آیت الله کمره‌ای دانشمندی تکرار نشدنی است؛
- * امضای تفاهم‌نامه همکاری با انجمن «ترویج زبان و ادب فارسی»؛
- * بازدید رئیس مرکز حقوق بشر دانشگاه سوئد از پژوهشگاه؛
- * مراسم جشن مبعث رسول اکرم (ص)؛
- * در همایش «ضرورت گفتگو در علوم انسانی جهانی سازی علوم انسانی - اجتماعی» مطرح شد: تشکیل شبکه نخبگانی علوم انسانی مستلزم گذشت، لطافت و نرم خویی است؛
- * مدیر کارگروه کاربست طرح اعتلاء: هدف طرح اعتلاء، بالا بردن جایگاه علوم انسانی است؛
- * دیدار اعضای هیأت مدیره مجمع صنفی هیأت علمی با رئیس پژوهشگاه؛

نشست‌های علمی:

- * رونمایی از کتاب «شرح مبسوط منطق اشارات»
- * «بررسی شاخص‌های ترکیبی؛ چرایی و مبانی نظری آن»
- * «تأمل نوینی از ماهیت معرفت تاریخی»
- * سیزدهمین کرسی ترویجی «تحلیل و نقد مبانی فلسفی اخلاق جان دیویی»
- * معرفی کتاب‌های «مطالعات زنان» با حضور جمعی از بانوان پژوهشگر
- * «تحلیلی‌شدگی زبان فارسی»
- * «ظهور و افول سلطنت منتظم در عصر انتقالی ایران»
- * «نقد دستور؛ ساختمان فعل زبان فارسی»
- * «جایگاه مسأله در پژوهش‌های تاریخی»
- * «برهان خاص علامه طباطبایی در رساله الولایه و نقش آن به عنوان مبنایی برای تعریفی جدید از انسان و علوم انسانی»
- * هم‌اندیشی استادان و صاحب‌نظران روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه‌های کشور

همایش‌های ملی:

- * «نقد آراء و نظریه‌های صاحب‌نظران پیرامون مناسبات دولت و مردم در تاریخ ایران»
- * «ادب کلامی و اجتماع»

آغاز به کار کرسی مطهری پژوهی در پژوهشگاه

به مناسبت بزرگداشت روز استاد و دومین سالگرد درگذشت استاد فقید دکتر صادق آئینه‌وند، مراسمی با حضور حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خامنه‌ای، رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام و خانواده آئینه‌وند در پژوهشگاه برگزار شد.



در ابتدای مراسم دکتر قبادی ضمن تبریک روز معلم، اعیاد شعبانیه و گرامیداشت روز کارگر، گفت: «تقارن روز شهادت استاد فرزانه شهید مطهری معلم بی‌بدیل انقلاب که به گفته امام (ره) تمام آثار ایشان مفید است، با ایام سالگرد زنده یاد دکتر آئینه‌وند را به فال نیک می‌گیریم چرا که هر دو معلم، عاشق اسلام و خدمتگزار فرهنگ ایران و اسلام بودند.»

دکتر قبادی ادامه داد: «با رایزنی‌هایی که با بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری داشتیم، موافقت شده تا کرسی‌های مطهری پژوهی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آغاز به کار کند. این کرسی‌ها در آینده می‌تواند موضوع زمینه‌های اقدام در این باره در پژوهشگاه را پی‌جویی کند چرا که پژوهشگاه، محل اندیشمندان و فرهیختگانی است که در عرصه آموزش عالی می‌توانند به نشر و ترویج اندیشه‌های شهید مطهری کمک کنند.» دکتر قبادی با تشریح شخصیت شهید مطهری گفت: «ایشان نه فقط به عنوان روحانی بلکه به عنوان یک عالم، در تمام زمینه‌های مختلف بودند و به‌طور ویژه در حوزه، مسئله پژوهی و مسئله‌مندی‌سازی پروژه‌های علوم انسانی اهتمام ویژه‌ای داشتند و محققان بودند که با اولویت‌شناسی به بررسی مسائل و مباحث می‌پرداختند.» رئیس پژوهشگاه به زمینه‌هایی که پژوهشگاه می‌تواند



در حوزه مطهری پژوهی اقدام کند اشاره کرد و گفت: «اکنون با فراهم شدن اجرای طرح کلان ملی علوم انسانی در پژوهشگاه با عنوان «طرح جامع اعتلاء علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» فرصت تاریخی به‌وجود آمده که در چارچوب این طرح کلان، مطهری پژوهی



به عنوان یکی از زمینه‌های تحقیق و پژوهش این طرح گنجانده شود. برای اجرای بهینه این کار طی فراخوانی از همه محققان و مؤسسات پژوهشی کشور دعوت شده تا در این طرح شرکت کنند. تاکنون بیش از ۱۵۰ پروژه این طرح، تعریف اولیه شده‌اند و امید است آثار ژرف شهید مطهری جایگاه ویژه‌ای در این طرح پیدا کند. همچنین از دیگر زمینه‌هایی که می‌توانیم در حوزه مطهری پژوهی کار کنیم برگزاری مناظره‌ها، نشست‌های تخصصی میزگردها و همایش‌هایی است که منتج به تولید مقاله و کتاب شود و در فضای رسانه‌ای قابل انتشار باشد.

دکتر قبادی در پایان ضمن یادآوری دومین سالگرد رحلت دکتر آئینه‌وند، رئیس فقید پژوهشگاه، درباره شخصیت آن زنده یاد گفت: «ایشان از جمله شخصیت‌های وارسته‌ای بودند که بدون حرف ایمان می‌بخشید و ما را به یاد خداوند می‌انداخت. دکتر آئینه‌وند دارای شخصیتی بود که بیشتر سکوت می‌کرد و در اطرافیان خود تأثیر عمیقی می‌گذاشت و فقدان این شخصیت برجسته برای جامعه علوم انسانی بسیار دردناک است.»

در ادامه این مراسم، حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خامنه‌ای، رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام به ایراد سخنانی پرداخت. وی در ابتدای سخنان خود به ویژگی‌های برجسته شهید مطهری اشاره کرد و گفت: «صداقت فوق‌العاده و اعتقاد به مبانی و اصول دین از ویژگی‌های بارز شهید مطهری بود. صداقت ایشان در همه مسائل اجتماعی و سیاسی زبازد بود و در بیان این مسائل نیز از قدرت والایی در آزادی بیان برخوردار بود. مطهری تنها کسی است که در مورد آزادی بیان، تفکر و اندیشه به صراحت مطالب خود را بیان می‌کرد.»



رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام اشاره کرد: «شهید مطهری با وجود تأکید فراوان بر اسلام اجتماعی، تبحر و مهارت بسیاری در بررسی مسائل مختلف داشتند و در خصوص مباحث مختلف اظهار نظر می‌کردند. به گونه‌ای که در دهه ۴۰ در یکی از سینماها فیلمی پخش شد که بسیاری از مسائل اسلام را مورد مناقشه قرار داده بود و شهید مطهری به عنوان حقوقدان آن زمان در مقاله‌ای به دفاع از اسلام پرداخت و همین امر موجب شد مورد توجه بسیاری قرار گیرد.»

حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به پایین بودن سرانه مطالعه کتاب گفت: «در دهه ۴۰ در یکی از شهرهای ایران با عده‌ای از علما برای یک سیر مطالعاتی برنامه‌ریزی انجام دادیم که بتوانیم فرهنگ کتابخوانی را گسترس دهیم اما امروز این فرهنگ نادیده انگاشته شده است.»

هادی خامنه‌ای تأکید کرد:

«پژوهشگاه می‌تواند مکان و مرجعی برای ترویج کتاب و کتابخوانی قرار گیرد و در این زمینه می‌تواند از آثار شهید مطهری آغاز کند. چرا که آثار مطهری به لحاظ ساده‌نویسی و قابل فهم بودن بسیار مفید است و می‌تواند باعث آشنایی افراد با فکر و اندیشه شهید مطهری شود.»

وی در پایان سخنان خود با اشاره به شخصیت مرحوم دکتر آئینه‌وند(ره)، گفت: «او را می‌توان از جمله استادانی به‌شمار آورد که جامعیت اخلاق و تعهد



دکتر قبادی در نشست «صلح، کلید امنیت جهان در پرتو پیام رسول الله»:

آیت الله کمره‌ای دانشمندی تکرار نشدنی است

آیت الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای از عالمان پرسابقه و منادیان وحدت اسلامی بود که سالیان طولانی در تهران به خدمات دینی اشتغال داشت. او به دلیل گرایش دیرین خود به اتحاد مذاهب اسلامی، با تشکل‌ها و کانون‌های مختلف در جهان اسلام مرتبط بود و در کنگره‌های متعددی با حضور متفکران اسلامی در کشورهای مختلفی از جمله پاکستان و مصر شرکت کرد.

آیت الله کمره‌ای به همراه مرحوم آیت الله سید محمود طالقانی به عنوان نمایندگان آیت الله العظمی بروجردی به مصر رفتند تا از علامه شیخ محمود شلتوت به خاطر صدور فتوای وی در جواز عمل به فقه شیعه تشکر کنند. آیت الله کمره‌ای در سال ۱۳۷۷ در کمره از توابع خمین دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۶۳ ه. ش دیده از جهان فرو بست. بیش از ۷۰ جلد کتاب از وی به یادگار مانده است.

به این مناسبت، به همت مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با همکاری دانشکده علوم و فنون قرآن کریم و مجمع جهانی تقریب مذاهب، نشست علمی با عنوان «صلح، کلید امنیت جهان در پرتو پیام رسول الله» (نگاهی به زندگی و آراء و اندیشه‌های آیت



الله علامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای) روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت‌ماه برگزار شد.

در ابتدای این نشست دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، ضمن خیر مقدم و قدردانی از تمامی دست‌اندرکاران این نشست، با اشاره به پدیده‌ها، معانی و مفاهیم درونی آنها گفت: «ما می‌توانیم هر پدیده‌ای را بخوانیم اما برخی از پدیده‌ها به دلیل شدت دلالت‌گری و لایه‌های عظیم معنایی که در آن است باید مکرراً خوانده شود. آثار علما و دانشمندان از این دسته‌اند. بر همین اساس در این نشست که با نگاهی به آراء و اندیشه‌های مرحوم آیت الله کمره‌ای برگزار شده، دور هم جمع شده‌ایم تا آثار و اندیشه‌های ایشان دوباره خوانده شود چرا که ایشان از جمله کسانی است که بخاطر فهم و معرفت عمیق خود می‌تواند برای همه نسل‌ها سخنان تازه‌ای داشته باشد.»

رئیس پژوهشگاه با اشاره به اینکه جهان بیرون انسان‌ها براساس جهان درون‌شان ساخته می‌شود، تأکید کرد: «مسئله آن است که ببینیم ما چقدر توانسته‌ایم جهان درونی خود را بسازیم تا بر پایه آن جهان بیرونی خود را بسازیم. به بیان دیگر همانقدر که در درون خود صلح و امنیت را ایجاد کنیم، جهان بیرونی خود را نیز بر اساس آن امن و آرام می‌سازیم. مرکز اسناد فرهنگی آسیا نیز برنامه و منشور خود را ایده «جهان عاری از خشونت» قرار

داده و درصدد آن هستیم تا ابعاد دیگری از این صلح و امنیت را در چارچوب فهم فرهنگی بیان کنیم و پرچم صلح و مدارا و دوری از خشونت را در منظر فرهنگی به اهتزاز درآوریم.»



تشکیل شبکه نخبگانی علوم انسانی مستلزم گذشت، لطافت و نرم خوئی است



اولین روز از همایش «ضرورت گفتگو در علوم انسانی: جهانی سازی علوم انسانی - اجتماعی»، با حضور جمعی از اساتید و صاحب نظران عرصه علوم انسانی روز ششم اردیبهشت در سالن حکمت پژوهشگاه برگزار شد. دکتر قبادی رئیس پژوهشگاه در مراسم افتتاحیه این همایش، سخنانی درباره ضرورت و اهمیت شکل گیری شبکه فراملی علوم انسانی در پژوهشگاه علوم انسانی ارائه کرد که مشروح سخنان ایشان در ادامه می آید:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام علیکم

بسیار خوشحالم که در جمع شما دانشمندان، فرهیختگان و صاحب نظران رشته های گوناگون علوم انسانی از کشورهای مختلف هستم. تشکر می کنم از انجمن جامعه شناسی ایران و از کوشش های ارزشمند رئیس محترم انجمن جناب آقای دکتر سراجزاده و همکاران گرامی ایشان در برپایی این نشست علمی بین المللی.

اگرچه ممکن است که دانشمندان محترم از کشورهای مختلف، قبلاً هم به ایران آمده باشند. ولی جا دارد به این نکته عنایت داشته باشند که در چه سرزمینی وارد شده اند.

این سرزمینی که شما امروز مهمان آن هستید، بیش از هفت هزار سال سابقه تمدنی دارد. نه تنها شاهد یک تاریخ انباشته در این سرزمین هستیم بلکه این مرز و بوم همیشه یک فرهنگ زاینده و بالنده داشته است. پایه و مایه مهم این فرهنگ که موجب طراوت و تازگی آن در جهان معاصر هم هست اسطوره های این سرزمین اند. اگر منطقه آسیای غربی و خاور میانه و حتی اطراف آن، آن سوی دریای مدیترانه و بخشی از آفریقا و تاریخ مصر و تاریخ فینقیان و بخش های دیگری از غرب آسیا را مطالعه بفرمائید، متوجه می شوید، مردمانی مثل فینقی ها، مصری ها حتی سوری ها و دیگران با پذیرش دین مبین اسلام، اسطوره های خود را نیز کنار گذاشتند. اما ایرانیان با تکیه بر سیالیت فرهنگ ساز اسطوره های خودشان هم مظاهر تمدنی و فرهنگی ایران را حفظ کردند و هم با روح حقیقت جوی مداوم ایرانی از حقایق الهی و وحیانی اسلام استقبال کردند.

امروز ما مفتخریم که به تمام جهانیان اعلام کنیم که ایران هم اسلامی و هم ایرانی است. یعنی به صورت هم افزا این پشتوانه فرهنگی و تمدنی در این سرزمین پر طراوت و بالنده و زاینده است. به چنین سرزمینی خوش آمدید و خیر مقدم عرض می کنم به شما. خوشبختانه امروز مقارن با بعثت پیامبر گرامی اسلام است و موجب

خوشحالی مضاعف است که در چنین روزهایی در ایران هستید. خداوند کریم، پیامبر ما را اینگونه معرفی می کند « فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ » که می تواند الهام بخش دانشمندان علوم انسانی دنیا باشد. اگر ما بخواهیم شبکه دقیق معرفتی مهربانانه را در عرصه علوم انسانی تعریف کنیم، اینجا این سخن نغز خداوند برای ما رهنمون خوبی است. الهامی که از این کلام سترگ الهی می توانیم داشته باشیم، این است که در حقیقت تشکیل شبکه نخبگانی علوم انسانی مستلزم گذشت، لطافت و نرم خوئی است. دقیقاً می فرماید به این دلیل تو می توانی سر سلسله شبکه فرهیختگانی علوم انسانی و به طور کلی معرفت بشری بشوی که خداوند تو را نرم خو آفرید. خداوند درباره خودش می فرماید: « سَبَّحْتَ رَحْمَتَهُ غَضِبَهُ ». خداوند توانا، خودش را بیش از هر چیز اهل رحمت و مهربان معرفی می کند. بنابراین اگر بخواهیم آسیب ها و تهدیدهای یک شبکه نخبگانی را بشناسیم (ما که رشته هایمان علوم انسانی است وظیفه بیشتری داریم) می فرماید که آسیب اصلی در تخریب شبکه های انسانی، عدم گذشت و به کارگیری خشونت است. « وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ». خوشبختانه شما در سرزمینی هستید که رئیس جمهور آن اعلام می کند ما با تأسی از قرآن در پی استوارسازی «جهان عاری از خشونت» هستیم. ما هم به عنوان پژوهشگاه علوم انسانی و بخشی از این دولت همیشه آغوشمان را بر روی مهربانی های شما، معرفت آموزی های شما گسترده داشته ایم و خواهیم داشت. یکبار دیگر از حضور همه شما ابراز مسرت می کنم. تشکر می کنم از اقدام ارزشمند و ماندگار انجمن جامعه شناسی، همه استادان بزرگوار که از دانشگاه های گوناگون و مراکز تحقیقاتی متعدد ستون های این انجمن را تشکیل می دهند. و انصافاً انجمن جامعه شناسی ایران از موفق ترین انجمن ها بوده و هست. جا دارد در اینجا از جناب آقای دکتر قانعی راد هم تشکر کنم که در طول سالیان گذشته این سنگ بنای استوار را فداکارانه بنا نهادند.



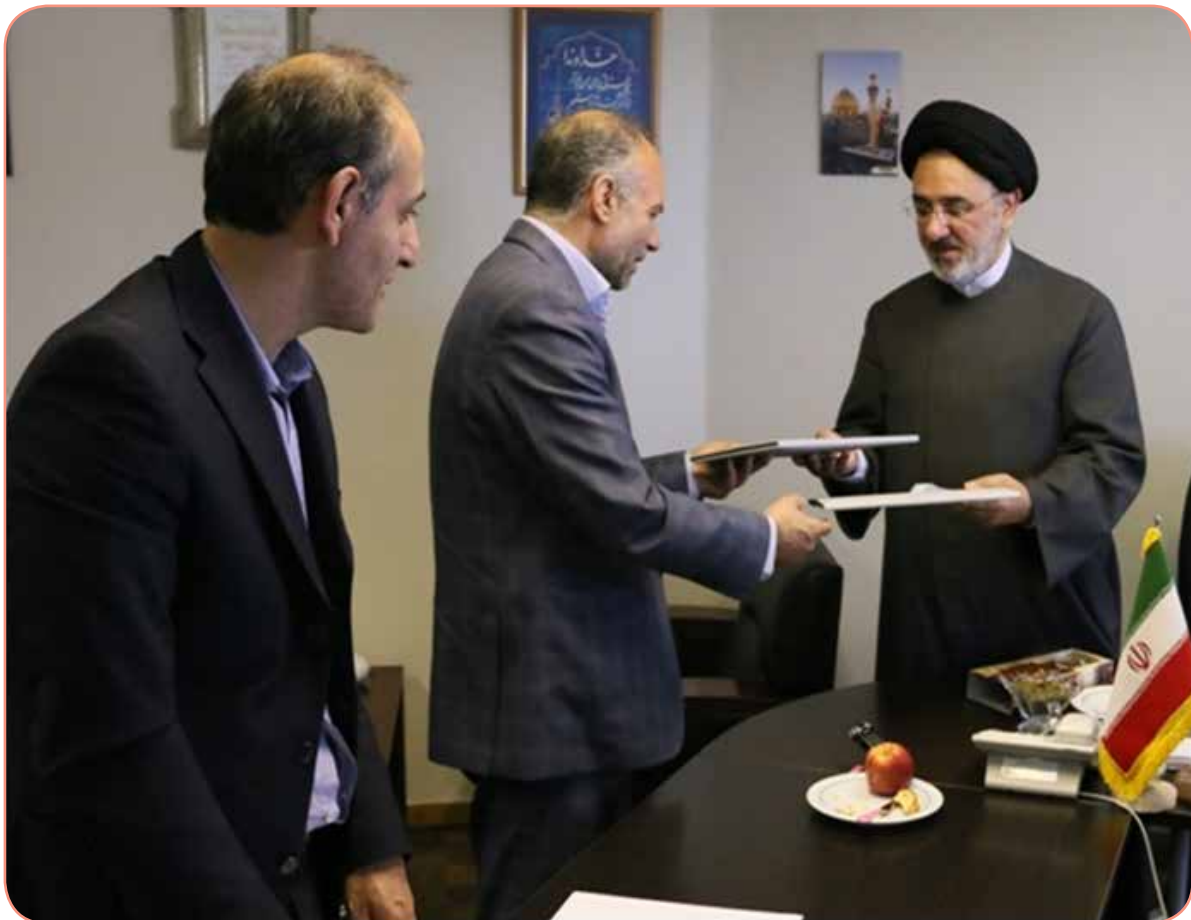
امضای تفاهم‌نامه همکاری با انجمن «ترویج زبان و ادب فارسی»

در روز سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ تفاهم‌نامه همکاری میان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و انجمن ترویج زبان و ادب فارسی به امضاء رسید. در مراسم انعقاد این تفاهم‌نامه، دکتر سید سجاد علم‌الهدی به نمایندگی از پژوهشگاه و دکتر سید علی اصغر میرباقری‌فرد به عنوان رئیس انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، پس از مذاکره پیرامون زمینه‌های همکاری، تفاهم‌نامه را به امضاء رساندند.

دکتر علم‌الهدی پس از اشاره به ظرفیت‌های بالای پژوهشگاه گفت: «با همکاری انجمن باید بتوانیم ارتباط بین نسلی در جامعه ایجاد کنیم و در این راه شورای بررسی متون پژوهشگاه با بیش از دوهزار استاد ارتباط مؤثری می‌تواند داشته باشد و البته شبکه‌نخبگانی پژوهشگاه نیز در این مسیر از پتانسیل بالایی برخوردار است.» وی همچنین یادآور شد که پژوهشگاه سه مجله علمی-پژوهشی در رشته ادبیات دارد (یک مجله به زبان عربی) که می‌تواند زمینه‌های همکاری را افزایش دهد.

در ادامه دکتر میرباقری‌فرد نیز از آمادگی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی برای تشکیل کارگروه‌های مختلف در حوزه ادبیات، تصحیح متون، ادبیات معاصر، تشکیل گردهمایی‌های مشترک و ظرفیت‌های انجمن برای همکاری فی مابین سخن به میان آورد.

لازم به ذکر است موضوع این تفاهم‌نامه در زمینه تبادل استاد، تدوین درسنامه و جزوات آموزشی، تبادل اطلاعات علمی، همکاری در زمینه نشر مشترک کتاب و... بود که طرفین خواهان ارتباط و همکاری مؤثر در خصوص مفاد تفاهم‌نامه شدند.



بازدید رئیس مرکز حقوق بشر دانشگاه سوئد از پژوهشگاه

توسعه اقتصادی و حقوق بشر، و فساد و حقوق بشر پرداخت و برای همکاری با پژوهشگاه اعلام آمادگی کرد. در نهایت مقرر شد که پژوهشگاه و مرکز حقوق بشر دانشگاه لوند سوئد به طور مشخص در سه زمینه با یکدیگر همکاری داشته باشند. اولین زمینه برگزاری سمینار مشترک پیرامون حقوق بشر با حضور اساتید ایرانی و اروپایی است که در آینده نزدیک برگزار خواهد شد. علاوه بر این قرار شد که در دراز مدت زمینه تبادل دانشجو به صورت متقابل فراهم گردیده و رشته حقوق بشر به عنوان حوزه میان رشته‌ای نیز در پژوهشگاه ایجاد گردد. در انتهای این نشست اعضای هیأت علمی به گفتگو و تبادل نظر با دکتر کی رم پیرامون مفاهیم و مسائل حقوق بشر در اروپا و ایران پرداختند و هدیه‌ای نیز به رسم یادبود از طرف پژوهشگاه به ایشان اهدا گردید.

در راستای اجرای تفاهم‌نامه همکاری پژوهشگاه با کمیسیون حقوق بشر اسلامی، معاونت فرهنگی - اجتماعی پژوهشگاه روز دوشنبه اول خردادماه میزبان دکتر مورتن کی رم رئیس مرکز حقوق بشر دانشگاه لوند سوئد بود. در ابتدای این نشست که تعدادی از اعضای هیأت علمی نیز حضور داشتند، دکتر ربانی‌زاده معاون اداری، مالی و مدیریت منابع پژوهشگاه ضمن خوش‌آمدگویی، توضیحات کوتاهی در مورد پژوهشگاه بیان نمود. سپس دکتر ضیایی‌فر دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی پیرامون همکاری‌های کمیسیون با مراکز حقوق بشر در جهان و همچنین همکاری‌های پیشین پژوهشگاه و کمیسیون توضیحاتی ارائه نمود.

در ادامه دکتر علوی‌پور مشاور رئیس پژوهشگاه و رئیس حوزه ریاست به صورت تفصیلی پژوهشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و بخش‌های مختلف پژوهشگاه را معرفی نمود و آمار از

تعداد اساتید، دانشجویان و طرح‌های تحقیقاتی پژوهشگاه ارائه نمود. دکتر مورتن کی رم نیز ضمن تشکر از توضیحات ارائه شده، به معرفی مرکز حقوق بشر دانشگاه لوند سوئد و همچنین تشریح ۴ زمینه پژوهشی و کاری این مرکز شامل چگونگی ایجاد جامعه شمول‌گرا با حفظ حقوق بشر، حقوق بشر و مهاجرین،



مراسم جشن مبعث



مراسم جشن مبعث به همت معاونت فرهنگی- اجتماعی مراسمی به مناسبت مبعث رسول اکرم (ص) در پژوهشگاه برگزار شد. در این مراسم حجت الاسلام و المسلمین نقویان با تبریک این عید بزرگ به همه مسلمانان، به ویژه همکاران پژوهشگاه گفت: «خیلی‌ها تصور می‌کنند که مقام پیامبری، مقامی قراردادی و اعتباری است، و متوجه صلاحیتی که برای این مقام نیاز است، نیستند.»

وی ادامه داد: «مقام پیامبری مقامی قابل عزل و نصب نیست که روزی به کسی داده شود و روز دیگر گرفته شود و به دیگری داده شود. در عالم قوانین حقیقی داریم که متفاوت از قوانین اعتباری است و تغییر پذیر نیست. از آن جمله اینکه اگر کسی خوب باشد، دیگر نمی‌توان خوبی را از او گرفت و به صورت اعتباری گفت که از

امروز او آدم خوبی نیست. مثلاً انیشتین دانشمند است و هیتلر بیاید و بگوید از امروز او دانشمند نیست. این صفت دانشمندی صفت حقیقی است که نمی‌توان از او گرفت. اصلاً عزل و نصب‌پذیر نیست.»

حجت الاسلام نقویان تأکید کرد: بعثت مثل نور است که در آن جای شکی وجود ندارد. می‌شود شما نور را ببینید و شک کنید؟ قرآن می‌گوید دل او هرگز به او دروغ نگفته و با چشم همه وجودش، بالاتر از علم حضوری آن را دیده است.

وی با برشمردن ویژگی‌های ایمان، اظهار داشت: «پیامبر اسلام (ص) مقامی پیدا کرد که شب مبعث، شب رونمایی بود، نه شب دادن حکم. او جایگاهی پیدا کرد که عالم و آدم اگر جمع شوند، نمی‌توانند این مقام را از او بگیرند. لذا در قرآن تعبیرات عجیبی در مورد پیامبر اسلام (ص) وجود دارد. ما هم باید کم‌کم به اندازه تلاش خودمان و ظرفیت وجودی خودمان به ایشان نزدیک شویم.»

ایشان در بخش دیگری از صحبت‌های خود با بیان این سؤال که این انسان والا پیامش چیست، تصریح کرد: «خداوند گفته برای من نماز بخوانید، ولی آیا این خدا برای خودش دستور به نماز داده است؟ قطعاً اینطور نیست. آیا فقط دستور داده نماز و روزه بگیریم؟ باز هم اینطور

نیست. به نظر من مهمترین پیام پیامبر اسلام (ص) برای بشریت این بوده که ای انسان‌ها اگر کار خوب کردی برای خودت کردی و اگر سر کسی کلاه گذاشتی سر خودت گذاشتی. خیال نکن کلاه سر دیگری گذاشتی. همه دستورات او به گونه‌ای است که اگر کسی گوش نکرد، به خودش لطمه زده است.»

وی تأکید کرد: «پیامبر اسلام (ص) آمده که بگوید ای انسان‌ها عاشق خوبی باشید که خوبی خوب است. لذا در قرآن



هشدارهایش اینگونه است که اگر این کار را کردی، آدم بدی می شوی و من آدم بد را دوست ندارم.»
حجت الاسلام نقویان در پایان اظهار داشت: «بزرگترین پیام او رحمت است. حتی هنگامی که می خواهد هشدار جهنم بدهد، می گوید از رحمان بترس. رحمان مظهر رحمت است. می گوید از رحمت من خجالت بکش و گناه نکن. هنر آن است که انسان به مقام انسانیت احترام بگذارد و به آن مقام برسد و انشاءالله خداوند همه ما را نسبت به تعالیم آن انسان والا مؤمن و عامل قرار دهد.»



در گفتگو با دکتر حسنی فر:

هدف طرح اعتلاء، بالا بردن جایگاه علوم انسانی است



در این شماره از خبرنامه با دکتر عبدالرحمن حسنی فر مدیر تحصیلات تکمیلی، عضو هیأت علمی گروه پژوهشی تاریخ سیاسی ایران و مدیر کارگروه کاربست طرح جامع اعتلاء مصاحبه‌ای در خصوص «طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» انجام دادیم و نظرات وی را در این زمینه جویا شدیم. این مصاحبه پیش روی شماست.

* ارزیابی شما از « طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» چیست؟

خیلی ممنونم از اینکه این فرصت را به بنده دادید تا درباره‌ی یکی از پروژه‌های مهم و از دید من ضروری برای علوم انسانی که در پژوهشگاه تعریف شده، توضیحاتی بدهم. طرح اعتلاء یک پروژه گسترده و تقریباً جامع است. با ابعاد متنوعی که برای آن دیده شده می‌توان آن را کامل دانست، ابعاد آن هم براساس منطق پیوستگی و هم‌افزایی در سه بخش جداگانه تعریف شده است:

بخش اول؛ مبانی علوم انسانی

بخش دوم؛ تاریخ انتقادی علوم انسانی در ایران

بخش سوم؛ حوزه کاربست علوم انسانی

هرکدام از این سه بخش باید با همدیگر ارتباط موضوعی و محتوایی داشته باشند تا بتوانند به هم کمک کنند و پروژه را کامل کنند. به عبارت دیگر این پروژه در این قالب طراحی شد تا اطلاعات و تولیدات در سه حوزه انجام شود و کارها به گونه‌ای باشد که تأییدکننده و کامل‌کننده همدیگر باشند. شایان ذکر است که هیچ کدام از این بخش‌ها به تنهایی نمی‌تواند ما را در رسیدن به اهداف طرح اعتلاء کمک کند.

عنوان کامل طرح، «طرح اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» است. واژه اعتلاء در این طرح، با این هدف که این طرح گامی به جلو برای علوم انسانی باشد؛ برجسته شد. گامی به جلو، به این معنا است که کلیات طرح در جهت بالا بردن جایگاه علوم انسانی در سطوحی که مدنظر است، باشد.

اولین کار مهمی که در این طرح دنبال شد این بود که موضوع را به صورت مسئله‌محور دنبال کردیم؛ مسئله علوم انسانی برای طرح اعتلاء و بحث پیشرفت چه می‌تواند باشد؟ که شش مسئله تعریف شد با این رویکرد که پروژه برای کارفرما، که سازمان برنامه و بودجه بود، مفید باشد.

* اکنون طرح اعتلاء در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

خوشبختانه با کمک مدیران سه کارگروه و همکاری برخی افراد

در هسته‌های پژوهشی، فاز مطالعاتی هریک از این بخش‌ها طراحی شده که به نوعی طراحی، تدوین و تنظیم نقشه و چارچوب پروژه‌هایی بود که می‌توانست در این سه بخش انجام شود و تا به حال تعدادی از این موضوعات به انعقاد قرارداد رسیده است.

تاکنون حدوداً ۱۳۰ پروژه طراحی شده است. البته سیاست پژوهشگاه بنا بر گفته‌ها و اظهاراتی که ریاست محترم پژوهشگاه داشتند، این است که پروژه‌های دیگری که با روح طرح اعتلاء سازگار باشند می‌تواند جدای از این تعداد پروژه‌ها نیز تعریف شود.

ما در این طرح، از یک طرف بحث شبکه نخبگان علوم انسانی را دنبال کنیم تا هم جایگاه علوم انسانی را بالا ببریم و هم شبکه نخبگانی علوم انسانی تقویت شود و از طرف دیگر پژوهشگاه علوم انسانی بتواند در حوزه‌ای که جزء وظایفش هم هست، پروژه‌ای نظام‌مند و تشکیلاتی و مهم انجام دهد به عنوان یکی از خروجی‌های منسجم پژوهشگاه به حساب بیاید و در نتیجه اعتبار پژوهشی پژوهشگاه به واسطه انجام این طرح که یک طرح کارفرمایی نیز هست ان‌شالله افزایش پیدا کند. در راستای ایجاد و تقویت شبکه نخبگانی و جلب مشارکت اکثر صاحب‌نظران علوم انسانی، در ساختار این طرح یک بخش به



موضوعات دارد. از لحاظ علمی چارچوب موضوع اینگونه دیده شده که به «اعتلاء» کمک کند. طبعاً این کار، راحت نیست و دشواری‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود را به همراه خواهد داشت. اما اگر محقق شود کار ارزشمند و مناسبی است، چرا که مسئله و هدف دارد و انگیزه بالاست و من خودم امیدوارم بتوانیم به اهداف تعریف شده دست یابیم.

* آیا امکان مشارکت در طرح اعتلاء وجود دارد؟

بحث مشارکت اعضای هیأت علمی و پژوهشگران صاحب‌نظر در علوم انسانی پژوهشگاه یا بیرون پژوهشگاه همه مورد نظر مجریان و متولیان آن هست؛ چه در قالب شورای بررسی متون باشد و چه حضور دانشگاه‌های دیگر، همه از دغدغه‌های ما در این پروژه است و تلاش می‌کنیم به نوعی مشارکت حداکثری را داشته باشیم تا تمام کسانی که به نوعی دغدغه علوم انسانی را دارند در این پروژه فعال باشند. امیدواریم فراخوان‌ها، خبر رسانی‌ها و اطلاع‌رسانی‌ها در پیشبرد و افزایش مشارکت اصحاب علوم انسانی در کشور کمک کند. هر پروژه‌ای را که اعضای هیأت علمی خارج و داخل پژوهشگاه بتوانند تعریف کنند به این کار کمک خواهد کرد. این پروژه ان‌شالله در واقع با کمک همه فعالان و کسانی که در این زمینه دغدغه دارند و دوست دارند علوم انسانی به جایگاه مناسب‌تری برسد، پیش خواهد رفت.

انتصاب

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه طی حکمی دکتر حمید تنکابنی را به عنوان «مشاور رئیس پژوهشگاه و عضو شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» منصوب کرد.

همچنین در طی احکامی جداگانه دکتر حسین سلیمی، دکتر سید جمال موسوی، دکتر محمدعلی مظاهری‌تهرانی، دکتر سیدمحمدرحیم ربانی‌زاده را به عنوان اعضای «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» منصوب کرد.

همچنین با حکم رئیس پژوهشگاه، دکتر بهاره نصیری به عنوان «مسئول اداره دفتر امور هیأت علمی»، دکتر بهمن حسینجانی به عنوان «مسئول راه اندازی پژوهشکده مطالعات تطبیقی و حقوق»، دکتر رمضان رضایی به عنوان «سرپرست گروه پژوهشی ترجمه»، دکتر سمیه سادات شفیعی به عنوان «مسئول راه اندازی گروه پژوهشی پایش و ارزیابی» و دکتر محمدسالار کسرای به عنوان «سرپرست گروه پژوهشی جامعه‌شناسی نظری- فرهنگی» منصوب شدند.

نام شورای سیاست‌گذاری وجود دارد؛ در این شورا به عنوان بالاترین نهاد تصمیم‌گیری این طرح، اعضای متنوعی از افراد صاحب‌نظر و خیره از سراسر کشور عضو هستند. همچنین در راستای ایجاد و تقویت شبکه نخبگانی علوم انسانی در سطح دیگری از ساختار، کمیته علمی فعالیت دارد که اعضای آن مثل شورای سیاست‌گذاری از اعضای علمی دانشگاه‌های کشور هستند. در کمیته علمی سه کارگروه شکل گرفته است: کارگروه کاربست، کارگروه مبانی و کارگروه تاریخ.

برای پیشبرد بهتر امور علمی و اجرایی، شورایی در دبیرخانه طرح اعتلاء شکل گرفته است که در فرآیند بررسی و ارزیابی موضوعات متفاوت مربوط به طرح‌ها و کارها همفکری و کمک می‌کند. شورای دبیرخانه متشکل است از مدیران کارگروه‌ها، دبیر علمی، دبیر شورای سیاست‌گذاری و دبیر طرح، مسئول هماهنگی سه کارگروه و دو نفر از اعضای شورای سیاست‌گذاری به‌علاوه رئیس پژوهشکده کاربردی‌سازی علوم انسانی است که همانطور که گفته شد این تیم به کیفی‌سازی و بهبود کارها و پیشبرد علمی و امور اجرایی کمک می‌کند.

* شما چه سمتی در « طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» دارید؟

من در این طرح مجری فاز صفر مطالعاتی کارگروه کاربست و مدیر کارگروه کاربست هستم. مدیر کارگروه که در طول طرح حضور دارد در فرآیند بررسی و تصویب طرح‌نامه‌ها و گزارش‌گیری‌ها و خروجی‌هایی که مورد نظر هر پروژه هست، دخالت علمی و اجرایی دارد. در کنار من آقای دکتر ملایمی توانی مدیر کارگروه تاریخ و آقای دکتر معین‌زاده نیز مدیر کارگروه مبانی هستند. هر کدام از مدیران باید جهت پیشبرد علمی و افزایش کیفیت، عوامل دخیل در یک پروژه را در نظر بگیرند تا طرح اعتلاء به‌خوبی پیش برود.

* به نظر شما برای کاربردی شدن هرچه بیشتر علوم انسانی باید چه اقدامات دیگری انجام داد؟

در مورد حوزه‌های متفاوت علوم انسانی نظر و دیدگاه بسیار است خصوصاً در مورد اینکه چقدر علوم انسانی کاربرد دارد؟ در این باره اختلاف نظرها زیاد است. اما معطوف به طرح اعتلاء باید بگوییم؛ که این طرح چون «جامع» دیده شده قرار است بین پروژه‌ها «در هر پروژه و تمام پروژه‌ها» هم‌افزایی صورت پذیرد. یعنی هر پروژه بتواند به پروژه‌های دیگر خدمت‌رسانی کند و نتایج این پروژه‌ها در نهایت هم به همدیگر کمک کنند تا محصول و خروجی مثلاً کاربردی و خوبی داشته باشیم. کاربردی‌سازی یکی از اهداف این طرح است.

افق و امید، روشن هست خصوصاً نسبت به این موضوع که خروجی‌ها در راستای عنوان کلی پروژه، که اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی است، باشد. این افق برای ما اینگونه ترسیم شده است ولی اینکه چقدر موفق باشیم بستگی به خیلی مسائل و



نشست هم‌اندیشی استادان و صاحب‌نظران روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه‌های کشور

نشست ملی هم‌اندیشی استادان و صاحب‌نظران روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه‌های کشور توسط گروه روان‌شناسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی روز پنج‌شنبه هفتم اردیبهشت ماه، برگزار شد.



دکتر غلامعلی افروز، رئیس گروه روان‌شناسی شورای بررسی متون، ضمن خیر مقدم و سپاسگزاری از مشارکت ارزشمند روان‌شناسان و مشاوران بصیر و خدوم دانشگاه‌های کشور در این نشست علمی گفت: «هدف اصلی ما از این هم‌اندیشی و هم‌فکری برای ارتقای جایگاه روان‌شناسی در کشور به‌ویژه در بُعد منابع آموزشی و درسی است. واقعیت حکایت از آن دارد که منابع درسی به عنوان یکی از ارکان اصلی چرخه تعلیم و تربیت، از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.» وی افزود: «باید به این سؤال پاسخ داد که کاستی‌های موجود در متون روان‌شناسی چیست و کیفیت تولیدات روان‌شناسی در این ۲۰ سال چگونه بوده است.»

رئیس گروه روان‌شناسی شورای بررسی متون خاطر نشان کرد: «ابتکار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ارزیابی کتب درسی اقدام ارزنده‌ای است. شایسته و بایسته آن است که ارزیابی منابع درسی در حکم تغذیه علمی دانشجویان و مخاطبان، بدون سلیقه‌های فردی و سیاسی صورت گیرد و داورانها منصفانه و عالمانه باشد. رسالت گروه روان‌شناسی شورای بررسی متون این است که نگذاریم ارزان‌فروشی علمی و فرهنگی در حوزه روان‌شناسی صورت گیرد.» وی ضمن برشمردن بخشی از کاستی‌های منابع درسی اظهار امیدواری کرد که استادان فرهیخته با احساس مسؤلیت بیشتر به میدان بیایند و با نشر متون درسی کیفی و استاندارد از حریم حرفه‌ای خود دفاع کنند و اجازه ندهند اشخاص غیر حرفه‌ای که خود به زوایا و جغرافیای پیچیده روان‌شناسی و مشاوره احاطه ندارند، با تولید کتب نامرغوب و ضعیف این حوزه علمی را به چالش بکشانند.

در ادامه دکتر مهرنوش هدایتی، دبیر علمی همایش و عضو گروه روان‌شناسی شورای بررسی متون و رئیس پژوهشکده اخلاق و تربیت، ضمن اشاره به اهداف نشست، اظهار داشت: «توسعه فرهنگ نقد، تقویت جایگاه علوم انسانی، کمک به اصلاح برنامه‌های آموزشی حوزه علوم انسانی، کمک به اصلاح سرفصل‌های دروس، پیشنهاد تدوین سرفصل‌های جدید مطابق با تحولات سریع علوم انسانی در جهان و بومی کردن دانش جهانی با فرهنگ ملی و ارزش‌های دینی، از اهم وظایف شورای بررسی متون است.» دبیر علمی نشست در ادامه سخنان خود بر ضرورت تألیف منابع درسی غنی و روزآمد در حوزه روان‌شناسی تأکید و خواستار همکاری پیشکسوتان این رشته علمی برای رفع کاستی‌های موجود شد.

در ادامه دکتر مصطفی حمدیه، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، در ارتباط با آسیب‌شناسی روانی با دو دیدگاه روان‌پزشکی



و روان‌شناسی سخن گفت. وی پس از بیان و بررسی نظریه‌های موجود در حوزه روان‌پزشکی و ارتباط آن با سلامت و بهداشت روان، بر همکاری روان‌شناسان و روان‌پزشکان و تأکید بر حفظ هویت حرفه‌ای و تخصصی و اظهار داشت: «هرگونه مداخله غیرحرفه‌ای در حوزه سلامت و بهداشت، پیامدهای ناگواری را به مراجع تحمیل می‌کند. بر همین اساس لازم است روان‌شناسان و روان‌پزشکان با حفظ چارچوب و پروتکل‌های حرفه‌ای بر دامنه همکاری خود بیفزایند.»



در بخش دیگری از این هم‌اندیشی دکتر سید محسن فاطمی، مدرس دانشگاه هاروارد نیز در ارتباط با «جایگاه متون روان‌شناسی در دانشگاه‌های پیشروی جهان» سخنرانی کرد. وی با بیان شیوه‌های تدریس و ترسیم نموداری از منابع آموزشی دانشگاه‌های آمریکای شمالی، متون آموزشی این دانشگاه را تلفیقی از شیوه‌های توصیفی و تحلیلی و معطوف به روش تحقیق بیان کرد.

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و رئیس شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ضمن تشکر از گروه روان‌شناسی شورای متون گفت: «تمام تلاش ما این است که بتوانیم از اهتمام و بذل مساعی شما پاسداری کنیم. ما باید بتوانیم برای نسل آینده و دانشگاهیان از خودمان یادگاریها و اثرهای ارزشمندی بر جای بگذاریم. هدف از این گونه نشست‌ها، تولید علمی معین به صورت معین و برجسته و اثرگذار در قالب کتاب، مجله و... است. گروه‌های شورای متون باید در این راه پیشتاز باشند. اگر ما به این موضوع نپردازیم، در آینده نزد مخاطبان خود سرافکنده خواهیم شد. این هم یک امر عقلانی و تجربه علمی بشر است و هم یک سنت ایرانی و از آموزه اسلامی به‌شمار می‌رود. در سنت اسلامی هم آمده است: «کل علم لیس فی القرطاس ضاع» یعنی هر دانشی که مکتوب نشود، ضایع می‌شود.»

ایشان با خرسندی از این که مجله «پژوهشنامه انتقادی» در سال ۱۳۹۵ برنده جشنواره فارابی شده، از استادان روان‌شناسی کشور خواست، در انتشار مقالات با کیفیت در این فصلنامه شرکت بیشتری داشته باشند. رئیس پژوهشگاه با تأکید بر اهمیت رشته روان‌شناسی در کاربردی‌سازی علوم انسانی کشور گفت: «روانشناسی گرانگه ارتباط شاخه‌های مختلف علوم انسانی با یکدیگر است. تا جایی که حتی نقد ادبی هم بدون شناخت روان‌شناسی ممکن نیست. روان‌شناسی به تمام رشته‌ها مرتبط است و از نظر کاربردی هم اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ به‌ویژه در حوزه نهاد خانواده، اهمیت آن دوچندان است و ارزش آن را دارد که به هر میزان که می‌توانیم در این حوزه علمی سرمایه‌گذاری کنیم.»

دکتر اشرف بروجردی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی کشور و عضو گروه روان‌شناسی شورای بررسی متون نیز ضمن تبیین اهمیت تولیدات علمی غنی و روزآمد در پیشرفت جامعه و تمدن‌سازی، از اساتید برجسته حوزه روان‌شناسی خواست که یافته‌های علمی خود را



در مشارکت با یکدیگر قرار دهند و ضمن پرداختن به طرح ایده‌ها و نظریه‌های جدید، فضا را برای تضارب بیشتر دیدگاه‌ها فراهم کنند. وی در ادامه آمادگی کتابخانه ملی را برای در اختیار قرار دادن تسهیلات لازم اعلام کرد.

از دیگر بخش‌های این نشست پنل تخصصی ویژه بود که با مشارکت دکتر غلامعلی افروز، دکتر هوشنگ مهریار، دکتر حسین شکرکن، دکتر سید محسن فاطمی و خانم دکتر نوابی‌نژاد برگزار شد و در ارتباط با کاستی‌های موجود متون روان‌شناسی و نیز ارائه راهکارها برای بالا بردن تولیدات برتر علمی بحث و تبادل نظر گردید. از جمله افراد شرکت در پنل می‌توان به آقایان دکتر علی اکبر ارجمندنیا از دانشگاه تهران، دکتر درتاج از دانشگاه علامه طباطبایی، دکتر وزیری از دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر دهستانی از دانشگاه پیام نور، دکتر عبدی از دانشگاه اراک، دکتر خامسان از دانشگاه بیرجند، خانم



دکتر خداپناهی از دانشگاه الزهرا و بسیاری دیگر از اساتیدی که ذکر نام آن‌ها میسر نیست، اشاره کرد.

از جمله نکات مطرح شده در پنل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

* ضرورت ترجمه کتب معتبر و ارزشمند و بومی کردن مطالعات پژوهشی
* تطبیق فرهنگ بومی با کتب تألیف شده

* توجه به آسیب‌هایی از قبیل: تشتت و بی‌نظمی در کتب درسی، نبودن رویکرد نظری در کتب تألیفی، عدم وفاداری به عنوان کتب ترجمه شده، گردآوری مطالب بدون ذکر مأخذ، به کارگیری سلیقه شخصی در تألیف کتاب بدون در نظر گرفتن سرفصل دروس، تألیف کتاب توسط افرادی که صاحب نظریه نیستند.

* ضرورت استفاده از داده‌های جدید در کتب تألیفی

* توجه به سه مسأله حذف دروس مهم و مشکل‌گشا، اضافه کردن دروس و کتب خاص

* لزوم اصلاح سرفصل دروس و به‌روز رسانی کتب در حال تدریس

در نهایت اساتید خواهان برگزاری هرچه سریع‌تر نشست کاربردی بعدی برای آسیب‌شناسی و ارائه راهکار جهت خروج از مشکلات حال حاضر رشته روان‌شناسی و مشاوره خصوصاً در بخش منابع دانشگاهی شدند.

همچنین مقرر گردید اساتید نظرات خود را به صورت مکتوب پس از جلسه و یا از طریق ایمیل به دبیر علمی ارسال نمایند تا مورد بررسی و اقدام قرار گیرد.



رونمایی از کتاب «شرح مبسوط منطق اشارات»



در روز میلاد با سعادت سرور و سالار شهیدان و در آستانه هفته بزرگداشت مقام معلم، به همت پژوهشکده حکمت معاصر جلسه رونمایی از کتاب «شرح مبسوط منطق اشارات» در سالن حکمت پژوهشگاه با حضور مؤلف کتاب، دکتر احد فرامرز قراملکی و منتقدان، اساتید، دکتر ذکیانی، رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه علامه طباطبایی و دکتر صلواتی، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید رجایی برگزار گردید. در این برنامه که به بهانه رونمایی

کتاب «شرح مبسوط منطق اشارات» استاد قراملکی برگزار شده بود به دلیل تقارن با ایام بزرگداشت مقام معلم، در حضور جمعی از اساتید و پژوهشگران حوزه منطق و فلسفه اسلامی و دانشجویان دکتری از جایگاه علمی دکتر فرامرز قراملکی، استاد برجسته دانشگاه تهران نیز تجلیل شد.

دکتر کمالی‌زاده دبیر این نشست علمی، در بیان اهداف این نشست به موارد زیر اشاره کردند:

۱- بیان اهمیت کتاب شرح منطق اشارات در تاریخ فلسفه اسلامی از قرن ۴ تاکنون.
 ۲- معرفی شرح مبسوط اشارات که در واقع یکی از ثمرات همت والای این استاد بزرگوار و نتیجه دو دهه تدریس این کتاب در دانشگاه‌هاست.

۳- ارائه جایگاه علمی استاد قراملکی در فلسفه و حکمت اسلامی در سطح دانشگاه‌های ایران در دو دهه گذشته.

به‌علاوه، ایشان در تجلیل از جایگاه علمی استاد قراملکی در دو دهه گذشته در حوزه منطق و فلسفه اسلامی ضمن اشاره به برخی از ویژگی‌های منحصر به فرد جناب استاد در حوزه‌های متعارف فلسفه اسلامی، جسارت ورود و حضور ایشان را به عرصه مباحثی که کمتر مورد اقبال دیگر اساتید واقع شده، ستود. افزون بر این که وی همچنین توجه به حوزه‌های روش‌شناسی و اخلاق حرفه‌ای را از ویژگی‌های نگاه دقیق منطقی ایشان دانست.

در ادامه برنامه، منتقدان، دکتر ذکیانی و دکتر صلواتی ضمن برشمردن ویژگی‌های منحصر به فرد اثر ارزنده «شرح مبسوط منطق اشارات»، انتقادات، پیشنهادات و نکات اصلاحی را به مؤلف پیشنهاد دادند. سپس، مؤلف به برخی سؤالات منتقدان و سایر شرکت‌کنندگان پاسخ گفت و در پایان با حضور رئیس و اعضای هیأت علمی پژوهشکده حکمت معاصر و سایر اساتید شرکت‌کننده در این مراسم، از این کتاب رونمایی شد.

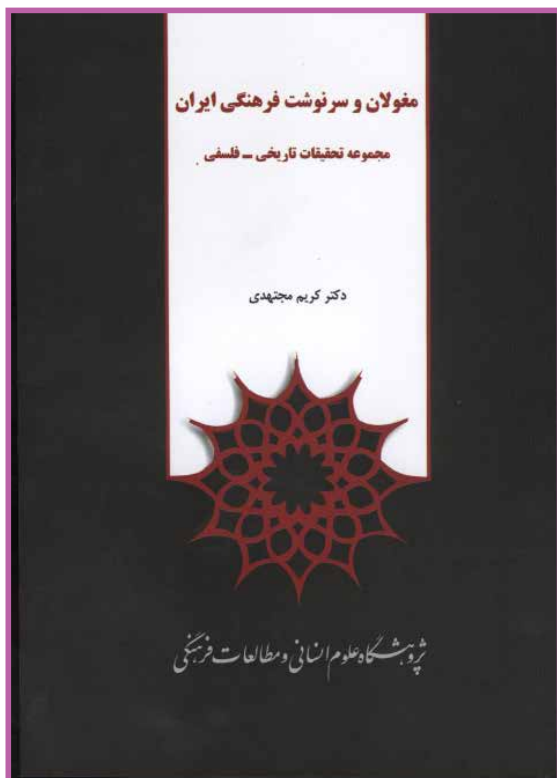


در آمدی بر کتاب‌های جدید دکتر کریم مجتهدی

«مغولان و سرنوشت فرهنگی ایران»

و

«فلسوف دانشجو است»



«مغولان و سرنوشت فرهنگی ایران» و «فلسوف دانشجو است» دو کتاب تازه دکتر کریم مجتهدی است که در یکی، دو ماهه اخیر به بازار کتاب راه یافته‌اند؛ اولی در اواخر اسفند ۱۳۹۵ منتشر شد و دومی در اوایل اردیبهشت ۱۳۹۶.

مغولان و سرنوشت فرهنگی ایران همان طور که در عنوان فرعی آن هم آمده مجموعه‌ای است از تحقیقات تاریخی-فلسفی و مشتمل است بر این فصول: «مقدمه»، «مختصری درباره چنگیزخان و ایلخانان ایران»، «تبریز پایتخت ایلخانان»، «آثار تاریخی شهر مراغه برحسب گزارش‌های آندره گدار، معمار و باستان‌شناس فرانسوی»، «حماسه و عرفان سنت ایرانی و قدرت حکومتی ایلخانان»، «جریان پیشروی مغول در اروپا و سفر کارپینی، اولین نماینده پاپ به مغولستان»، «از گیوم اهل روبرک تا مارکو پولو»، «مفهوم وزارت و رجال ایرانی در خدمت ایلخانان مغول»، «خواجه نصیرالدین طوسی»، «سهم خاندان جوینی در تاریخ ایران»، «خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی»، «دو مستشرق اروپایی که درباره خواجه رشیدالدین تحقیق کرده‌اند»، «قطب‌الدین شیرازی و علامه حلی»، «درباره بعضی از صاحب‌منصبان دیگر ایلخانان»، «یاساهای غازان خان برای حل مشکلات عصر خود»، «چند نکته پایانی» و «تصاویر».

چنانکه از عناوین فوق برمی‌آید این کتاب صرفاً تاریخ‌نگاری جدیدی درباره دوره مغولان در ایران نیست، بلکه جستجویی است در پی

رازهای ماندگاری و مانایی فرهنگ ایران‌زمین در طول زمان به رغم حمله مغول و قدرت نظامی و تفوق سیاسی انکارناپذیر مغولان در آن دوره. در این کتاب هم نظم و ترتیب و تشکیلات ارتشی کارآمد مغولان را می‌بینیم و هم تدابیر عالمانه و سیاست‌ورزی خردمندانه ایرانیان اهل فرهنگی را که نه فقط شعله فرهنگ ایران را از پس حمله ویرانگر مغول روشن نگه داشتند بلکه حتی، با غنیمت شمردن فرصت‌ها، یکی دیگر از دوره‌های شکوفایی علم و تمدن سرزمین‌شان را در دوره ایلخانان رقم زدند.

در کتاب «مغولان و سرنوشت فرهنگی ایران» هم مسائل شایان توجهی مطرح شده است مثلاً درباره روابط سیاسی مغولان با مسیحیان اروپایی و نمایندگان و سفیران دو طرف و مراودات آنها با یکدیگر، و هم نکات در خور درنگ و فکربرانگیزی آمده است درباره نفوذ فرهنگ ایرانی در دربار ایلخانان و احیاء سنت‌های کهن فکری و هنری ایران در این دوره (از جمله بر مبنای تحقیقی خواندنی از سورن اسدالله ملیکیان شیروانی) و نیز دیوانسالاری راهگشا و علم‌دوستانه وزیران و رجال ایرانی ذی‌نفوذ دوره مغولان که در کار پدید آوردن مراکز علمی از قبیل رصدخانه (برای نمونه رصدخانه مراغه) و دانشگاه (مثلاً ربع رشیدی) و آثار ماندگار علمی و فرهنگی و تاریخی (از جمله آنها آثار خواجه نصیر و خواجه رشیدالدین فضل‌الله و عطاملک جوینی) بودند. همچنین تحلیل جالبی آمده است از یاساهای غازان‌خان و کارکرد متفاوت آنها با یاساهای چنگیز و پایان دوره مغولان در ایران.

برای کسانی که «فرهنگ ایران» و سرنوشت آن را دنبال می‌کنند و فراز و فرودهای این فرهنگ در بزنگاه‌های تاریخی برایشان مهم است خواندن کتاب مغولان و سرنوشت فرهنگی ایران قاعدتاً تجربه‌ای خوشایند و اطلاع‌بخش خواهد بود.



کتاب دیگر - فیلسوف دانشجو است - مجموعه‌ای است از نوشته‌ها و گفته‌های استاد مجتهدی که در طول چند سال اخیر در همایش‌های گوناگون ارائه یا در نشریات مختلف منتشر شده بوده است. این کتاب با یادداشت‌های فرهنگی-انتقادی آغاز می‌شود و با مقالات تحقیقی-دانشگاهی ادامه می‌یابد. در انتهای آن هم مصاحبه‌ای آمده است درباره سقراط. در حقیقت روح حاکم بر همه کتاب از همان یادداشت نخست تا این گفتگوی پایانی روحیه‌ای سقراطی است که در آن تأکید می‌شود «نمی‌دانم» مرتبه‌ای است فراتر از «می‌دانم»‌های نسنجیده و نیندیشیده.

فیلسوف دانشجو است در بردارنده این بخش‌ها و عناوین است: «پیش‌گفتار ناشر»، «فیلسوف دانشجو است»، «یادداشتی در آسیب‌شناسی فلسفه: تظاهر جاهلانه به فرهنگ بدتر از بی‌فرهنگی»، «فلسفه و پژوهش: فرزنگی و جستجوگری»، «اندکی درباره سرنوشت فلسفه در ایران»، «تربیت فلسفی جوان امروز»، «پژوهش دانش‌محور و تاریخ فلسفه غرب»، «استقلال ذهنی دانشگاهیان»، گفت‌وگوی دو نسل: سخنی با نخبگان»، «آسیب‌شناسی وضعیت تفکر فلسفی در ایران معاصر»، «سنت کاذب، تجدد کاذب»، «فلاسفه بزرگ آینده بشرند نه گذشته او»، «انسان و جهان»، «شناخت طبیعت و هماهنگی روحی انسان»، «نظر و عمل»، «صلح، افق امید»، «روشنگری بر لبه روشنایی و تاریکی: بحثی در باب جنبش روشنگری و نسبت کانت با آن»، «ملاحظات در فلسفه هنر کانت»، «هگل و فلسفه تاریخ او»، «تأثیر افکار افلاطون در زیباشناسی هنری در دوره تجدید حیات فرهنگی غرب»، «فلسفه در ایران به روایت ژان شاردن»، «هویت از نظر فرهنگی و فلسفی»، «مختصری درباره فلسفه‌های مقایسه‌ای»، «شرح حی بن یقظان بوعلی سینا»، «بررسی مؤلفه‌های حکمی-فلسفی کتاب کشف‌المحجوب ابویعقوب سجستانی»، «سخنی درباره قلب»، «سقراط، اسیر وجدان»، و تصاویر هنری مربوط به مقاله «تأثیر افلاطون در زیباشناسی هنری...».

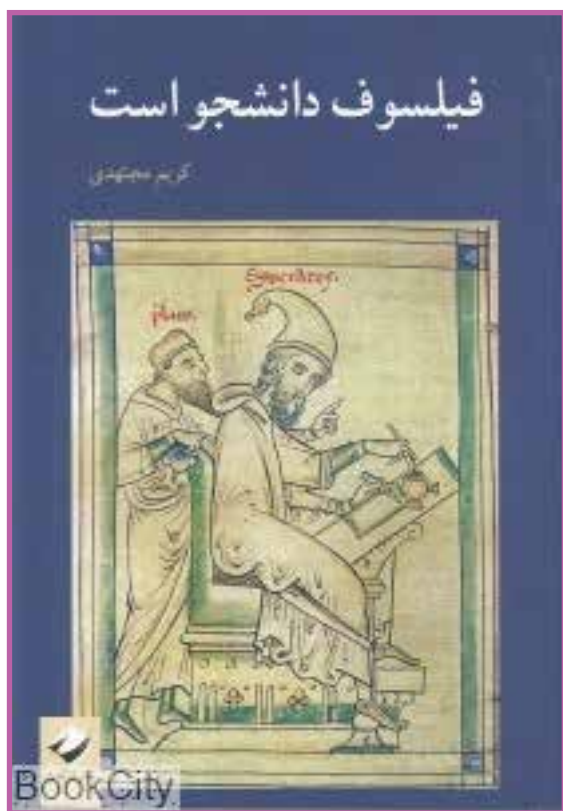
برای معرفی بیشتر کتاب شاید بد نباشد پیش‌گفتار ناشر بر آن را در اینجا مرور کنیم:

فیلسوف دانشجو است مشتمل است بر مجموعه‌ای از نوشته‌ها و گفته‌های استاد اندیشمند و دردمند فلسفه، دکتر کریم مجتهدی. ایشان با ده‌ها کتاب و صدها مقاله و چند دهه تدریس فلسفه به نسل‌هایی از دانشجویان، برای همه ایرانیانی که علاقه‌ای به فلسفه داشته باشند آشناتر از آن‌اند که نیاز به معرفی‌شان باشد و به ویژه سهمی که استاد در شناساندن جریان‌های فلسفی غرب در ایران داشته‌اند غیر قابل انکار است.

این کتاب در بردارنده طیف نسبتاً وسیعی از موضوعات مختلف است، اما همه مطالب کتاب در حقیقت حول دغدغه‌های همیشگی استاد مجتهدی وحدت یافته است، دغدغه‌هایی مانند شأن و اهمیت فلسفه و نسبت آن با دیگر شئون زندگی انسانی از قبیل علم و الهیات و هنر و تاریخ. آسیب‌شناسی وضع فلسفه در ایران، وضع بشر معاصر در قبال جهان و طبیعت و جنگ و صلح، نسبت نظر و عمل، مسأله فلسفه‌های مقایسه‌ای و تعاملات فکری فیلسوفان و هنرمندان در دوره‌هایی خاص، و مطالبی درباره سابقه فلسفه در سنت و فرهنگ ما از موضوعات این کتاب است و روش پرداختن به جملگی آنها روش معمول پدیدآورنده آنها یعنی نگرش فلسفی با رویکرد تاریخی بوده است. هر یک از مطالب کتاب به خودی خود گویاست و لزومی ندارد در اینجا به تفصیل به آنها اشاره شود؛ تأکیدات همیشگی دکتر مجتهدی در مقام استاد باسابقه فلسفه با

حساسیت‌هایی خاص کم و بیش در همه مطالب فیلسوف دانشجو است هویدا است. از حیث صوری بخش‌های مختلف کتاب مجموعه متنوعی است از سخنرانی‌ها و گفته‌ها و یادداشت‌ها و مقالات پژوهشی، به علاوه یک مصاحبه خواندنی درباره سقراط که در انتهای کتاب آمده است. کوشش شده است اجمالاً ترتیب مطالب بر اساس سیر از طرح انتقادی مسائل روزمره‌تر فرهنگی به جانب امور پژوهشی‌تر و تخصصی‌تر باشد، اگرچه طبعاً هر یک از مطالب کاملاً مستقل است و ترتیب خواندن آنها بیش از همه منوط به سلیق و علایق خوانندگان گرامی خواهد بود.

از لطف و اعتماد استاد گرانقدر، آقای دکتر کریم مجتهدی سپاسگزاریم و امیدواریم این کتاب در جهت بیدار کردن حساسیت‌های به‌جای فرهنگی و فکری در بین دوستداران واقعی حکمت و اندیشه در سرزمین‌مان مؤثر باشد.



«بررسی شاخص‌های ترکیبی؛ چرایی و مبانی نظری آن»



گروه پژوهشی جامعه و امنیت بیست و دومین نشست مطالعات راهبردی شاخص‌سازی و ارزیابی وضعیت امنیت با موضوع «شاخص‌های ترکیبی؛ چرایی و مبانی نظری آن» با ارائه دکتر بهروز کاظمی، را در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۹۶ برگزار کرد.

در این نشست علمی که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار گردید، ابتدا آقای محمدعلی مینایی، دبیر نشست مطالعات راهبردی شاخص‌سازی و ارزیابی وضعیت امنیت، با اشاره به تحقیقات انجام شده در گروه پژوهشی جامعه و امنیت در زمینه شاخص‌های ترکیبی خاطر نشان ساخت پیش از این کتاب «شاخص‌های امنیت اجتماعی در ایران» به قلم دکتر سعید مجردی و دکتر علیرضا مهنیان با استفاده از روش و الگوی شاخص‌های ترکیبی در

گروه تدوین یافته که از جمله نخستین تلاش‌های علمی در این زمینه بوده است. به علاوه، از جمله اولویت‌های مهم در راستای نقشه راه نشست مطالعات راهبردی شاخص‌سازی دعوت از محققینی است که در زمینه مزبور مطالعاتی را انجام داده‌اند، تا بدینوسیله زمینه‌های هم‌افزایی علمی فراهم شود.

در ادامه دکتر بهروز کاظمی به نقش روز افزون شاخص‌های ترکیبی اشاره کرد و افزود قبل از انقلاب اسلامی استفاده از شاخص ترکیبی در ارزیابی عملکرد نظام و حکمرانی رایج نبود و بعد از انقلاب اسلامی با ترویج این شاخص‌ها در جامعه جهانی به خصوص نهادهای بین‌المللی، این شاخص‌ها در ادبیات مدیران کشور رایج شد. ایندکس یا شاخص ترکیبی، ترکیب حسابی مجموعه‌ای از شاخص‌هایی است که از طرفی دارای واحد اندازه‌گیری معنادار یکسانی نبوده و از طرفی دیگر راه مشخصی برای وزن دهی آنها وجود ندارد. این روش به واسطه کاهش تعداد شاخص‌ها و دربرگرفتن اطلاعات بیشتر علی‌رغم محدود شدن شاخص‌ها، شرایط را به‌منظور ارزشیابی میزان پیشرفت کشورها در مسائل پیچیده در طول زمان مهیا می‌سازد. محاسن متعددی برای شاخص‌های ترکیبی می‌توان در نظر گرفت که این محاسن شامل مواردی نظیر خلاصه‌سازی مسائل پیچیده و چندبعدی به‌منظور پشتیبانی از تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران، قرار دادن مسائل مربوط به عملکرد و پیشرفت کشور در اولویت دستور سیاست‌گذاران و همچنین تسهیل ارتباطات با شهروندان عادی و ارتقاء مسئولیت‌پذیری، می‌باشد. البته شاخص‌های یاد شده معایبی نیز دارند، از جمله اینکه امکان استفاده ابزاری نامطلوب از شاخص (به‌عنوان نمونه، جهت پشتیبانی از سیاست‌های دلخواه)؛ در صورتی که مراحل مختلف (نظیر انتخاب شاخص‌های تشکیل دهنده، انتخاب مدل، تعیین وزن شاخص‌های تشکیل دهنده) شفاف نبوده و براساس اصول آماری و مفهومی دقیقی مبتنی نباشند، وجود دارد.

در جهان موارد متعددی از بکارگیری شاخص ترکیبی به منظور بررسی و ارزیابی وضعیت موجود به چشم می‌خورد و استفاده از این شاخص‌های ترکیبی در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه از جمله مهم‌ترین این شاخص‌های ترکیبی می‌توان به شاخص تولید ناخالص داخلی و ملی و شاخص توسعه انسانی اشاره کرد. ایشان در ادامه با طرح این موضوع که شاخص‌های ترکیبی جهانی عمدتاً بنابر نیازها و نگرش‌های غربی شکل گرفته‌اند، به ضرورت شاخص‌سازی بومی اشاره کرد و افزود نتایج برآمده از شاخص‌های ترکیبی غیربومی به دلیل عدم تطابق با واقعیات جامعه ایرانی موجب سردرگمی در فرایند سیاست‌سازی و سیاست‌گذاری می‌شود.

در پایان آقای محمدعلی مینایی، ضمن ارائه جمع‌بندی نهایی جلسه با اشاره به اهمیت روش‌شناسی (متدولوژی) در تحقیقات علمی، خاطر نشان کرد موفقیت در دستیابی به شاخص‌های ترکیبی بومی در گرو رعایت دقیق مبانی روش‌شناختی بوده و بدون فهم و کاربست دقیق روش و الگوی شاخص ترکیبی نمی‌توان به اعتبار شاخص‌های برآمده اتکا کرد. وی همچنین افزود این ارائه می‌تواند زمینه‌ای برای مطالعات بیشتر در زمینه ارزیابی شاخص‌سازی در کشور از حیث ساختاری، مدیریتی و حتی علمی باشد و از این طریق موانع و امکانات شناخته شده و زمینه‌های سنجش‌پذیری و علل سنجش‌ناپذیری نظام‌ها در کشور آشکار می‌شود.



اخلاق سیاسی از دیدگاه امام علی علیه السلام

مرکز تحقیقات امام علی (ع) نشست با عنوان «اخلاق سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)» با سخنرانی سعید بابایی در پژوهشگاه برگزار کرد. در این نشست سعید بابایی ابتدا تعاریفی از اخلاق و سیاست را بیان و اظهار کرد: اخلاق در لغت را جمع «خلق» و «خلق» می‌دانند، به گفته راعب در کتاب «مفردات» این دو واژه در اصل به یک ریشه باز می‌گردد، در لسان‌العرب نیز از این دو لغت تعبیر به «سجیه» شده است، در نهایت می‌توان گفت که اخلاق از نظر لغوی به مجموعه فضایل و رداییلی که در انسان به صورت ملکه درآمده‌اند، اطلاق می‌شود.

وی به مفهوم و تعریف کلی سیاست نیز اشاره و تصریح کرد: «سیاست» در لغت به معنای تصدی شئون ملت و تدبیر امور مملکت است و برای معنای اصطلاحی اینکه بتوانیم امور مردم را حکمرانی داشته باشیم و تدبیر کنیم، تعریفی که خواجه نصیرالدین طوسی دارد این است که سیاست را نوع تدبیر می‌داند و آن را به لوازم اجتماعی زندگی انسان‌ها ارتباط می‌دهد.

وی در مورد «اخلاق و سیاست» و روند حضرت علی (ع) در حکومت داری و زندگی شخصی اظهار کرد: اخلاق



سیاست فردی و سیاست اخلاق جمعی است؛ می‌توان در مدت کوتاه حکومت امام علی (ع) به صورت خلاصه به تحقق برخی از این موارد از سوی علی (ع) اشاره کرد که می‌تواند الگوی امروز باشد؛ ۱- نپذیرفتن پیشنهاد ابوسفیان و عباس عموی پیامبر مبنی بر اینکه حضرت سقیفه را به هم بزند تا خود حاکم شود؛ حضرت معتقدند در صورتی که در حاکمیت اسلامی به هم ریختگی و آشفتگی اتفاق بیفتد، اصلاً حاکمیت اسلامی باقی نمی‌ماند بنابراین از این پیشنهاد استقبال نمی‌کنند و نمی‌پذیرند. ۲- در زمان ابوبکر وقتی که مرتدین قیام می‌کنند، حضرت مشاوره‌های خاصی را به او می‌دهند تا در برابر این مرتدین حاضر شود و اصل و ریشه اسلام حفظ شود. ۳- دادن نظرهای مشورتی به عمر بن خطاب در مسایل اعتقادی، قضایی و اجرایی. ۴- شرکت در شورای شش نفره تعیین خلافت. ۵- نپذیرفتن شرایط عبدالرحمن بن عوف برای رسیدن به خلافت؛ عبدالرحمن بن عوف خطاب به حضرت می‌گوید: اگر شما حاضر هستید که به شیوه و سنت خلیفین عمل کنید و روند آنها را دنبال کنید، من شما را انتخاب می‌کنم؛ در این موقعیت حضرت علی (ع) می‌توانستند، به صورت تلویحی بپذیرند و پس از اینکه به حاکمیت رسیدند، آنچه خود درست می‌دانستند، اعمال کنند، اما حضرت نپذیرفتند و گفتند که بحث کتاب الهی و سنت رسول الله را می‌پذیریم، ولی شیوه من شیوه خلیفه اول و دوم نیست. ۶- حضرت با شورش‌های کور علیه عثمان مقابله می‌کنند و معتقد هستند که اگر چنین اتفاقی رخ دهد بعداً زمینه‌های بدی را فراهم می‌کند. ۷- استفاده نکردن از عواطف و احساسات مردم برای پذیرش بیعت، ۸- برکناری والیان ناصالح به محض بر سر کار آمدن و نپذیرفتن نقشه مصلحت اندیشان برای پذیرش موقت والیان ۹- رد درخواست طلحه و زبیر و سایر امتیاز خواهان ۱۰- اجازه خروج دادن به طلحه و زبیر با اطمینان از خیانت آنها ۱۱- رفتار با عایشه و دیگر شکست خوردگان در جنگ جمل ۱۲-

خودداری از اجبار به بیعت شکست خوردگان جنگ جمل ۱۳- جلوگیری از اقدام یاران خود برای بستن آب بر روی افراد معاویه در آغاز جنگ صفین ۱۴- جلوگیری از پیمان شکنی بعد از جنگ صفین و عقد قرار داد



در ادامه بابایی به ۶ اصول اخلاق سیاسی اشاره و اظهار کرد: اصولی از سخنان حضرت علی(ع) استخراج شده که نشان می‌دهد، تأکید ایشان بر این بوده که این اصول حتماً باید در یک جامعه رعایت شود تا بتوان اخلاق سیاسی را در یک جامعه حاکم کرد؛ اصل اولی که بسیار مورد تأکید حضرت بوده، اصل «عدالت ورزی» است، همواره از سوی بسیاری از بزرگان و براساس مباحث و ایدئولوژی‌های اخلاقی تأکید شده، «آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند» و در فعالیت‌ها و رفتارهای فردی، حاکمیتی و اجتماعی این دو جمله رعایت شود، حضرت در وصیتی که به فرزندانشان دارند، می‌فرماید: «يَا بَنِيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحِبِّ لْغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اِكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا وَ لَا تَطْلُمَ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُطْلَمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يَحْسِنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَفِيحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفِيحُ مِنْ غَيْرِكَ؛ پسرکم خود را میان خویش و دیگری میزانی بشمار، پس آن چه برای خود دوست می‌داری برای جز خود دوست مدار و آن چه تو را خوش نیاد برای او ناخوش بشمار و ستم مکن چنان که دوست نداری بر تو ستم رود و نیکی کن چنان که دوست می‌داری به تو نیکی کنند و آن چه از جز خود زشت می‌داری برای خود زشت بدان.» حضرت علی(ع) برترین بندگان خدا را یک رهبر عادل می‌داند، رهبر عادل که بتواند بدعت‌های ظالمانه را از بین ببرد و سنت‌های عادلانه را برپا کند.

ایشان همچنین «عدالت در برخورداری از بیت المال» را از سومین مصادیق عدالت عنوان و تصریح کرد: حضرت علی(ع) نسبت به کارگزارانی که به بیت‌المال دست درازی می‌کردند، بسیار برخورد سختی داشتند؛ در زمان خلیفه دوم و به ویژه خلیفه سوم، امتیازهای خاصی برای افرادی که در اسلام سبقه داشتند یا سرداران سپاه اسلام به وجود آمد که بر طبق آن این افراد باید از مقدار بیشتری از بیت‌المال استفاده کنند، حضرت روزی که منصوب می‌شوند، دستور می‌دهند که به همه نفرات به طور یکسان سه دینار داده شود، تأکید حضرت این است، کسانی که برای اسلام زحمت کشیدند و در جنگ مشارکت داشتند، نزد خداوند متعال مأجور هستند و جایگاهشان بسیار بالا بلند است برای اینکه با شمشیر آنها و کلام و حضور آنهاست که اسلام قوام پیدا کرد اما همه در سهم بیت‌المال یکسان هستند او افزود: حکایت‌های متعددی از ساده زیستی حضرت نقل شده است، چاه‌هایی که حضرت علی(ع) در مدینه حفر کردند، قدر و قیمتی داشته و براساس آن نخلستان‌هایی به وجود می‌آمد و هر کدام از آنها قیمت بالایی داشتند، حضرت علی(ع) بسیاری از این چاه‌ها را پس از بهره‌برداری برای مردم و استفاده عمومی وقف می‌کردند.

بابایی «اصل نگرش انسانی» را به عنوان یکی دیگر از اصول اخلاق سیاسی مورد بررسی قرار داد و گفت: «حضرت علی(ع) در تمام احکام حکومتی که می‌فرستند تأکید ویژه‌ای به نوع انسان دارد، در فرمان حکومتی به مالک در ۳۰ قسمت به مردم اشاره کرد و ادامه داد: یکی از تأکیدات ویژه‌ای که حضرت در بحث نگرش انسانی دارد و یکی از مواردی است که بسیار باید به آن توجه داشته باشیم، بحث «احترام به آبروی مردم» است. آبروی مردم یکی از مواردی بوده که حضرت تأکیدات ویژه‌ای بر آن داشتند. حضرت در نامه‌ای به مالک اشر می‌فرماید: «از رعیت آن را از خود دورتر دار و با او دشمن باش که عیب مردم را بیشتر جوید» چرا که هر کسی عیبی دارد و والی از هر کسی سزاوارتر به پوشیدن آنهاست، والی اتفاقاً باید از همه حواسش بیشتر جمع باشد که عیب مردم را بپوشاند.»

بابایی افزود: بحث بعدی که جزو اصل نگرش انسانی است، «لزوم حفظ جان مردم است» حضرت در نامه ۵۳ می‌فرماید: «و بهره‌یز از خون‌ها و ریختن آنها به ناروا که چیزی چون ریختن خون به ناحق آدمی را به کیفر نرساند و گناه را بزرگ نگرداند و نعمت را نبرد و رشته عمر را نبرد و خداوند سبحان روز رستاخیز نخستین داوری که میان بندگان کند در خون‌هایی باشد که از یکدیگر ریختند، پس حکومت خود را با ریختن خونی به حرام نیرومند مکن که خون به حریم ریختن قدرت را به ناتوانی و سستی کشاند بلکه دولت را از صاحب آن به دیگری بگرداند.»

وی ادامه داد: حضرت تأکید ویژه‌ای بر «حفظ وحدت» داشتند، سکوت ۲۵ ساله علی(ع) بعد از جریان سقیفه به دلیل حفظ وحدت بود؛ حضرت می‌فرماید: «ای مردم امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات در هم بشکنید و از راه اختلاف و پراکندگی بهره‌یزید.»



دیدار اعضای هیأت مدیره مجمع صنفی هیأت علمی با رئیس پژوهشگاه

بعداز ظهر روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ اعضای هیأت مدیره مجمع صنفی هیأت علمی پژوهشگاه، طی نشستی با دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه به طرح مسائل و برخی مطالبات اعضای هیأت علمی پرداختند. در این نشست دکتر رفیعی به عنوان رئیس مجمع صنفی، گزارشی از جلسات گذشته هیأت مدیره ارائه کرد و از حمایت‌های مسئولان پژوهشگاه قدردانی به عمل آورد.

دکتر قبادی نیز ضمن استقبال از برگزاری چنین دیدارهایی، در جهت بیشتر شدن فعالیت‌های مجمع پیشنهادهایی را ارائه کرد و خواهان توجه بیشتر به امور رفاهی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه شد.



تسلیت

جناب آقای دکتر امیری تهرانی زاده
خبر درگذشت توأمان ابوی و والده گرامی جنابعالی موجب
تأثر و تألم فراوان گردید.
این ضایعه را خدمت جنابعالی تسلیت عرض کرده و از
خدای قادر و منان برای آن مرحومان غفران الهی و علو
درجات و برای شما و خانواده محترم صبر جمیل و اجر
جزیل مسئلت داریم.

روابط عمومی

نشست «نقد دستور؛ ساختمان فعل زبان فارسی»

پژوهشکده زبان و ادبیات نشستی با عنوان «نقد دستور؛ ساختمان فعل زبان فارسی»، با حضور سخنران و مؤلف استاد عباسعلی وفایی (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی) و جمعی از استادان پژوهشکده ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی از جمله رئیس پژوهشکده، دکتر محمدنژاد عالی‌زمینی، دکتر ابوالقاسم رادفر، دکتر علیرضا شعبانلو، و دکتر مریم شریف‌نسب و جمعی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۰ سالن اندیشه برگزار شد.

دکتر وفایی در این نشست آنچه را که در باب تقسیم‌بندی ساختمان فعل در زبان فارسی با عنوان ۱- ساده ۲- مرکب ۳- مشتق ۴- مشتق مرکب است، ارائه داد و گفت: «این تقسیم‌بندی پایه علمی و منطقی ندارد بلکه در حوزه اسم می‌توان بدان قائل شد ولی ساخت فعل با آن کاملاً متفاوت است. در فعل، فقط یا «فعل ساده» داریم یا «مرکب» و اشتقاق در حوزه اسم و صفت است که کاربرد دارد و همچنین واژه‌سازی به‌گونه «مکرر» در حوزه مرکب جای می‌گیرد و «تخفیف» نیز در حوزه واژه‌سازی نیست



بلکه یک فرایند است.»

وی در ادامه گفت: «فعل مرکب، فعلی است که در عنصر اصلی آن بیش از یک تکواژ آزاد به‌کار رفته باشد مانند: صحبت کرد، از دست رفت، در رفت، چشم دوخت. ساختمان «عبارتی» و «گروهی» در فعل جزو روش مرکب قرار می‌گیرد؛ ساخت «پیشوندی» و ساخت «لازم یک مشخصه» در فعل از روش‌های ساخت واژه نیست زیرا لازم و یک مشخصه از ویژگی‌های فعل است نه ساخت آن. بنابراین ساختمان فعل در زبان فارسی تنها دو نوع است: ۱- ساده ۲- مرکب از ویژگی‌های مرکب هم این است که دارای چهار وحدت باشد ۱- وحدت معنایی ۲- وحدت نحوی ۳- وحدت آوایی ۴- وحدت صرفی.» وی همچنین پرکاربردترین همکرد برای ساخت فعل مرکب را «کرد» دانست.



نشست «تأمل نوینی از ماهیت معرفت تاریخی»



گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده علوم تاریخ در ادامه سلسله نشست‌های مسأله‌یابی در پژوهش‌های تاریخی نشستی با عنوان «تأمل نوینی از ماهیت معرفت تاریخی» را در روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت با سخنرانی دکتر یعقوب خزایی عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی برگزار کرد.

دکتر یعقوب خزایی در ابتدای بحث خود، به‌عنوان یک رویکرد کلان مورد قبول خود، حقیقت را امری واقعی و موجود دانست که البته دستیابی به آن حقیقت ناب برای ما ممکن نیست. به باور وی تلاش‌های افرادی مانند پوپر نشان داده باور به حقیقت مطلق، چقدر خطرناک است و به توتالیتاریسم منتهی می‌شود. دکتر خزایی سپس به رویکرد مکتب پدیدارشناسی و تفاوت نومن یا ذات در مقابل فنومن یا بازنمایی آن ذات، در این مکتب توسط کانت و سپس افرادی مانند هوسرل اشاره کرد. به باور وی فنومنالیسم یا پدیدارشناسی در افرادی مانند دیدید هیوم به آنجا می‌رسد که فهم ذات را غیرممکن و هدف علم را فهم ظاهری امور دانستند.

دکتر خزایی با این برداشت کلان دو پارادایم غالب عصر جدید را مطرح کرد.

پارادایم نخستین با دکارت و پیدایش سوژه خود بنیاد آغاز شد و رویکرد کلی دوره مدرن در افراد شاخصی مانند هگل و مارکس هرچه بیشتر به سمت عینیت قدم گذاشت و در عرصه تاریخ هم رویکرد اثباتی توسط افرادی مانند رانکه به اوج خود رسید. به باور سخنران پارادایم دوم پارادایم زبانی است که توسط جریانات پست‌مدرن بر کل معرفت انسانی و از طریق افرادی مانند هیدن وایت بر معرفت تاریخی اثر گذاشت. در این برداشت تاریخ به داستان و ژانر ادبی تقلیل داده می‌شود که هیچ حقیقت بیرون از متنی از آن بیرون نمی‌آید. این هر دو دیدگاه به باور دکتر خزایی برداشت نادرستی درباره تاریخ است؛ زیرا درحالی‌که رویکرد مدرن به شدت سعی می‌کند قصه و داستان را از تاریخ جدا کند و این امکان‌پذیر نیست، به باور ایشان رویکرد پست‌مدرن نیز با تقلیل واقعیت به قصه و داستان برعکس آن کار را انجام می‌دهد و امر واقع را از جریان خارج می‌کند. ایشان با رسیدن به این نقطه و بحث و انتقاد از هر دو جریان رویکرد بدیل و به باور خودشان جدیدی را مطرح کرد. به باور ایشان تاریخ دیالکتیک امر واقع از یک سو و قصه از سوی دیگر است. در واقع هیچ‌یک از این دو جزء را نمی‌توان از تاریخ گرفت؛ اهل تاریخ باید سعی کنند در این دیالکتیک، امر واقع را ماکزیممی و حداکثری و قصه را مینیمی و حداقلی در نظر بگیرند.

پس از سخنرانی دکتر خزایی، پرسش‌های متعددی توسط حضار در این زمینه مطرح شد که اکثر آنها رویکرد انتقادی نسبت به موضوع مورد بحث داشت، و در واقع نوعی ارائه نظر بود. یکی از انتقاداتی که مطرح شد عدم پرداختن مبسوط سخنران به رهیافت تازه خود و تأکید بیشترشان بر نقد رویکردهای رقیب بود و این که بسیاری از متفکران گذشته به دیالکتیک امر واقع و قصه و داستان در آثار خودشان اشاره کرده‌اند. همچنین بخش دیگری از سؤالات، به پررنگ بودن نقش قصه و روایت در این تعریف اشاره کردند و تاریخ را بیشتر علمی واقع محور دانستند که امر واقع، ذات آن است و نقش قصه در آن را کمرنگ عنوان کردند. همچنین نظر دیگری مطرح شد



بر این مبنا که تعریف اچ کار از تاریخ به‌عنوان دیالکتیک مورخ و امر واقع به‌عنوان نمایندگان جامعه حال و گذشته بهتر می‌تواند تعریف تاریخ را پوشش دهد. ایشان هم در پاسخ به این سؤال‌ها به بدیع بودن نظر خودشان اشاره کردند که به باورشان، قصه باید در این رویکرد مینیمی و امر واقع ماکزیممی دیده شود و ایشان ذاتی برای تاریخ متصور نشدند و تأکیدشان بر قصه را منافی با اهمیت امر واقع ندانستند. ایشان رویکردهای افرادی مانند اچ کار را راهگشا دانستند و تلاش خودشان را در ادامه همین مسیر عنوان کردند نه منافی با آن.

سیزدهمین کرسی ترویجی «تحلیل و نقد مبانی فلسفی اخلاق جان دیویی»



دفتر کرسی‌های نقد، نوآوری و نظریه‌پردازی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری دبیرخانه هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره سیزدهمین کرسی ترویجی با رویکرد «عرضه و نقد ایده علمی» با عنوان: تحلیل و نقد مبانی فلسفی اخلاق جان دیویی با ارائه دکتر اعظم قاسمی و ناقدین جلسه، دکتر مهدی اخوان، دکتر روح‌الله کریمی و مدیر علمی جلسه، دکتر مریم صانع پور و مدیر اجرایی جلسه، دکتر طاهره ایشانی، را در روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت برگزار کرد.

در این سخنرانی، نخست به تحلیل و تبیین مبانی فلسفی دیدگاه‌های اخلاقی جان دیویی که از آثار متعدد وی استنباط و استخراج شده، پرداخته شد، سپس این مبانی که شامل مبانی معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و مابعدالطبیعی می‌شود؛ نقد شد. با توجه به این نکته که دیویی فلسفه‌ای انتزاعی، بغرنج و غامض ندارد. او فیلسوفی است که فلسفه را از آسمان به زمین آورده و در فکر راه حلی برای مشکلات انسان‌های زمینی، که اکثریت نوع بشر را تشکیل می‌دهند، است. او هم در اندیشه کودک خردسال و هم در اندیشه پیرزن که‌نسال است. فلسفه او هرچند برخاسته از کشوری است که حاکمانش اندیشه سلطه بر جهان را دارند اما خود، اندیشه سلطه خواهانه ندارد؛ بلکه در

فکر کمک به همه، حتی محروم‌ترین اقشار جامعه است. در انتهای بحث هم نتیجه‌گیری مباحث ارائه شد. در این تحلیل و نقد و بررسی ضعف‌ها و نقاط قوت دیدگاه‌های دیویی در حوزه اخلاق مشخص شد.

سپس ناقدین به مواردی همچون صورت‌بندی دیویی در فلسفه اخلاق، اخلاق کاربردی، نسبی‌گرایی، سبک نوشتن مقاله، خودداری از مطلق‌گرایی و... اشاره کرده و نقدهایی را مطرح کردند.



نخستین همایش؛

«نقد آراء و نظریه‌های صاحب‌نظران پیرامون

مناسبات دولت و مردم در تاریخ ایران»

همایش «نقد آراء و نظریه‌های صاحب‌نظران پیرامون مناسبات دولت و مردم در تاریخ ایران» که به همت پژوهشگاه علوم انسانی و از ابتدای سال ۹۵ کلید خورده بود، در سوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶ با حضور متفکران و صاحب‌نظران علوم انسانی کشور از رشته‌های مختلف تاریخ، علوم سیاسی، علوم اجتماعی برگزار شد. حاتم قادری، مقصود فراستخواه، حسین‌علی نوذری، ناصر تکمیل همایون و محمدعلی اکبری از جمله چهره‌های شاخص شرکت‌کننده در این همایش بودند.

در ابتدای این همایش، دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر، دبیر علمی همایش ضمن خوش‌آمد گویی به حاضران به بیان ضرورت تشکیل این همایش و اهداف و نتایج آن اشاره کرد و گفت: «همانگونه که استحضار دارید مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی از جمله اقدامات مهم علمی برای توصیف، تبیین و تحلیل موضوعات اجتماعی است. واضح است که یکی از منابع و حتی روش‌های مهم برای شناخت یک جامعه، اطلاعات تاریخی آن جامعه است. اطلاعاتی که البته شامل انواع متفاوتی است؛ برخی از این اطلاعات از جنس واقعیات تاریخی است، یعنی مبتنی بر وقایع و اتفاقات تاریخی است؛ برخی از آنها از جنس اندیشه و حکمت است که در یک دوره از تاریخ مطرح شده است،



برخی از جنس اعتقاد و باور و پند و اندرزی که در زمانه‌ای مطرح بوده است و برخی هم از جنس شریعت نامه‌ای و مباحث دینی است. کسانی که می‌خواهند در مورد یک جامعه کار مناسب علمی، انجام دهند حتماً باید به منابع و اطلاعات تاریخی رجوع نمایند.» دکتر حسنی‌فر یکی از اقدامات اولیه در کار علمی را پرداختن به یک موضوع دانست و اظهار کرد: «مناسبات دولت و ملت یک موضوع است که در این رابطه کارهایی انجام شده است. گام بعدی علمی بعد از پرداختن به موضوع، مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی است که در ارتباط با موضوع مناسبات دولت و ملت در ایران مفاهیم و نظریه‌هایی چون استبداد، دیکتاتوری، حاکم و جامعه مستبد، حکومت مطلقه، حکومت پدرسالار، جامعه نخبه‌کش، جامعه نخبه‌گرا، السلطان ظل‌الله، جامعه کلنگی یا جامعه کوتاه مدت، حاکمیت زر و زور و تزویر و غیره از جمله آنها است.»

وی افزود: «تاریخ در ارتباط با مناسبات دولت و مردم می‌تواند رهنمونی مناسب برای شناخت عوامل تحرک آفرین یک جامعه به حساب آید؛ جاهایی در تاریخ در ارتباط با موضوع مناسبات میان مردم و دولت‌ها می‌تواند مورد توجه و تمرکز قرار گیرد که در نتیجه آن، مسائل و موضوعات مشترک یا متفارق زیادی معلوم شود. در مورد مناسبات بین مردم و دولت، در تاریخ ایران یا در گستره اندیشگانی ایرانیان در ارتباط با حوزه ایران، دیدگاه‌ها و نظرات متفاوت و مختلفی وجود دارد؛ مبنای استدلالی هر کدام از این نظرات یک برهه یا یک دوره

یا زمان‌ها یا موضوعاتی خاص است. شاید بتوان در یک دسته‌بندی سه نوع نظریه را احصاء کرد:

۱- برخی بر «عدم تناسب و گسست و تضاد» بین دولت و مردم تأکید دارند و اشاره می‌کنند بین مردم و دولت در تاریخ ایران، همیشه جدایی و انفکاک بوده است. معتقدان به این نظر و دیدگاه برای تأیید آن، به شاهد مثال‌های تاریخی زیادی استناد می‌کنند.

۲- برخی هم بر «پیوند و انفکاک» میان مردم و دولت در تاریخ ایران تأکید می‌کنند؛ یعنی اعتقاد دارند که بین مردم و دولت در تاریخ ایران، گاهی پیوند و گاهی انفکاک و جدایی بوده است.

۳- برخی هم بر نسبت «پیوند و تحول» میان مردم و دولت در تاریخ ایران اشاره دارند. یعنی بین مردم و دولت در تاریخ ایران پیوند بوده و گاهی هم که چالشی بین آنها روی داده باعث تحول در بین آنها شده است.»



دکتر حسنی‌فر تأکید کرد: مناسبات دولت و مردم در تاریخ از موضوعات و مباحث محوری تاریخ ایران است که به‌رغم آثاری که پیرامون قدرت سیاسی و رفتارهای حاکمان و فعالیت‌های دستگاه حکومت نوشته شده است می‌توان ادعا کرد که هنوز خلاءهای جدی نظری و مفهومی در این ارتباط وجود دارد. یکی از این خلاءها نقد دیدگاه‌های مطرح شده پیرامون مناسبات دولت و ملت در تاریخ ایران است.

دبیر علمی همایش با اشاره به فعالیت پژوهشکده تاریخ گفت: «یکی از عرصه‌های فعالیت پژوهشکده در خصوص مباحث نظری و مفهومی با عطف توجه به تاریخ ایران است. در این همایش که نخستین همایش در ارتباط با مناسبات دولت و مردم در تاریخ ایران است تلاش می‌شود تا گامی رو به جلو برداشته شود. لذا در آن، هدف و تمرکز اصلی بر نقد نظرات و دیدگاه‌های مربوط به مناسبات دولت و مردم در تاریخ ایران است. به عبارت دیگر پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه، در این همایش سعی کرده است تا ماهیت این همایش از حالت توصیف یا تبیین خارج کند و گامی به جلو بردارد و در حوزه نقد نظریه‌ها و شاید افق‌گشایی مفهومی و نظری وارد شود. از این‌رو این همایش سرفصل‌های متفاوت و گسترده‌ای برای طول تاریخ ایران انتخاب کرده است. البته شایان ذکر است هدف این همایش علاوه بر برگزاری همایش، چاپ مجموعه مقالات بوده است.»

دکتر حسنی‌فر در توضیح جزئیات این همایش ادامه داد: این همایش مجموع کار گروهی است که تلاش شده با دقت برنامه‌ریزی لازم صورت پذیرد. به همین منظور از ابتدای سال ۱۳۹۵ با تشکیل کمیته علمی و کمیته اجرایی همایش به برنامه‌ریزی این همایش اقدام شد. در همین راستا کمیته علمی همایش با تشکیل جلسات متفاوت به طرح‌ریزی مبانی، رویکردها و جهت‌گیری آن و همچنین نحوه برگزاری همایش از نظر محتوا اقدام کرد. هسته اصلی کمیته علمی همایش متشکل از اعضای هیات علمی رشته‌های مختلفی همچون تاریخ، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی بود که بنا به تناسب از ظرفیت‌های علمی دیگر صاحب‌نظران در این حوزه‌ها از دیگر دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی نیز استفاده می‌شد که نتیجه این هم‌افزایی شرکت بیش از ۵۰ اندیشمند و صاحب‌نظر در کمیته علمی این همایش بود.

مجموع نظرات کمیته علمی همایش منجر به طرح‌ریزی مبانی این همایش شد. مباحثی در مورد مفاهیم عنوان همایش مطرح شد. در مورد اینکه از کلمه دولت استفاده شود یا حکومت یا از کلمه مردم استفاده شود تا ملت نکات و نقطه نظرانی ارائه شد. بحث‌هایی چون دولت-ملت و ناسیونالیسم مورد نظر این عنوان نبود بلکه هرگونه روابط بین دو جزء حکومت (دولت و مردم) در گستره تاریخ ایران مورد نظر بود. همچنین مفهوم صاحب‌نظران که در عنوان مطرح شده است با دقت مورد تعریف قرار گرفت که شامل چه کسانی می‌باشد. نتیجه این شد که اندیشه همه کسانی که در فحوای کلامشان نظریه یا ایده‌ای در ارتباط با مناسبات دولت و مردم قرار دارد را شامل گردد و جامعیت و مانعیت در این معنا رعایت گردد. همچنین بر اساس تصمیم کمیته علمی مقرر گردید دانش نقد مورد توجه قرار گیرد تا افق‌های جدیدی در حوزه اندیشه آشکارتر گردد و منجر به تولید نظریه بدیل شود.

دبیر اجرایی همایش در پایان اظهار کرد: کمیته اجرایی همایش نیز همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد به مدیریت دکتر نیره دلیر از اواسط سال ۱۳۹۵ آغاز به کار کرد و با برنامه‌ریزی دقیق سعی در هرچه بهتر برگزار کردن این همایش داشت. این کمیته با برگزاری بیش از ۱۵ جلسه و طرح‌ریزی مقدمات این همایش کمک شایانی در برگزاری این همایش بر عهده داشتند. دریافت رتبه علمی-پژوهشی برای این همایش از ISC و ترتیب مقدمات برگزاری همایش همچون بحث پشتیبانی مالی از مقالات و... از اقدامات این کمیته بود. از این‌رو مجموع کار گروهی پژوهشکده تاریخ منجر به برگزاری این همایش گردید.



نشست اول همایش (مباحث نظری ۱)

در ابتدای نشست اول دکتر ملایی توانی رابطه دولت و مردم در تاریخ ایران را یکی از جدی‌ترین مباحث اندیشه سیاسی دانست و بر اهمیت این بحث برای سامان‌دهی جامعه امروزمان انگشت گذاشت. پس از این سخنان کوتاه ایشان، نشست با سخنان دکتر فراستخواه به‌عنوان نخستین سخنران آغاز شد. دکتر مقصود فراستخواه، در خصوص کنش‌های فرصت‌ساز تاریخ معاصر ایران در نقطه‌های مرزی دولت و جامعه صحبت کرد.

وی ابتدا شکاف دولت و ملت را در تاریخ ایران شکافی واقعی دانست که در نتیجه عوامل بسیاری مانند شرایط جغرافیایی و پراکندگی اجتماعی ناشی از آن، جامعه آب‌سالار و کمبود آب. نقش نفت به‌عنوان یک عامل، پیشینه تاریخی و عدم اتکای دولت به مالیات

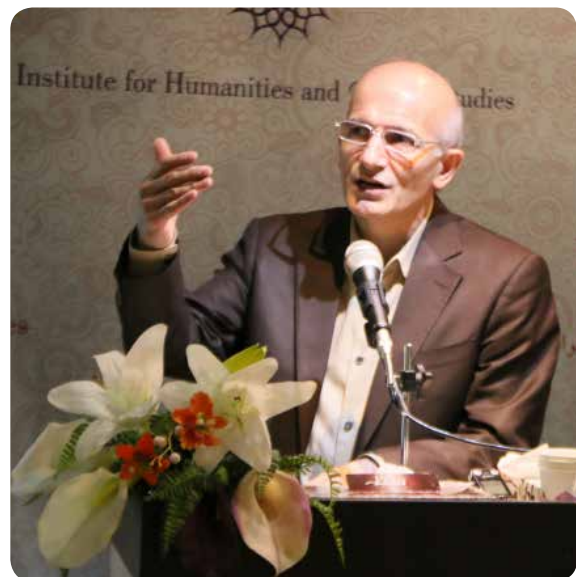


تقویت و تعمیق می‌شود. به باور ایشان ما فضاها و نهادها و ساختارهایی واسط میان دولت و مردم در تاریخ‌مان نداشته‌ایم. این نبود ساختارها به افراد فرصت می‌داد نقش رابط و میانجی را در مناسبات بین مردم و دولت بازی کنند، در نتیجه در طول تاریخ‌مان با آدم‌های مرزی مواجه هستیم که بین دولت و ملت تردد می‌کردند و نقش میانجی را داشتند. به‌عبارت‌دیگر، در رابطه عاملیت و ساختار، با توجه به ضعف ساختارها در جامعه ایرانی، نقش عاملیت‌ها بسیار بیشتر از آن چیزی بود که در صورت وجود ساختارهای قدرتمند می‌توانست وجود داشته باشد. این تفاوت سبب می‌شد برعکس جوامعی مانند اروپا که ساختارهای اجتماعی اهمیت دارند در جامعه‌ایی مانند ایران هوش افراد اهمیت

پیدا کند. سپس ایشان با این پیش‌فرض به سراغ سه دوره تاریخ ایران یعنی عصر ناصری، دوره پهلوی و دوره جمهوری اسلامی رفتند و به گونه‌شناسی این آدم‌های مرزی در این دوره پرداختند. وی کلان‌الگوی دوره ناصری را استبداد منور، کلان‌الگوی دوره پهلوی را نوسازی و کلان‌الگوی دوره جمهوری اسلامی را اسلامی‌سازی دولت بیان کردند و سپس به مدل‌های برخاسته از این کلان‌الگوها پرداختند. به باور ایشان در دوره ناصری شش مدل: اصلاحات برون‌گرا (قائم‌مقام و عباس میرزا) اصلاحات دولتی درون‌گرا و اقتدارگرا (امیرکبیر) اصلاحات دولتی لیبرال برون‌گرا (سپهسالار) ظرفیت‌سازی غیردولتی (امین‌الدوله) مدل خاندان مشیرالدوله به‌عنوان بدیلی برای نبود عدم وجود کنش‌های طبقاتی، (تجدید ساختار سیاسی) یا همان مدل مشروطه‌خواهی که آن‌هم در نقطه‌های مرزی به وجود آمد. درباره دوره پهلوی ایشان به ۹ مدل اشاره کرد. مدل مدرسه‌سازی (دولت‌آبادی-فروغی)، مدل دانشگاه‌سازی (حکمت-سیاسی)، مدل دولت‌سازی (فروغی-قوام-علا)، مدل ملت‌سازی (مصداق)، مدل علم‌محوری (صدیقی)، مدل ساخته‌شدن زن ایرانی (هاجر تربیت-صدیقه دولت‌آبادی- پروین اعتصامی)، مدل ساخته‌شدن کودک ایرانی (محمدباقر هوشیار)، مدل اصلاحات دولتی (علی امینی)، مدل اصلاحات آکادمیک (مجید رهنما)

وی برای جمهوری اسلامی به مدل‌هایی مانند لیبرال مذهبی (بازرگان)، تکنوکرات مذهبی (هاشمی) و سپس به ساخته‌شدن خرده مدل‌ها و مدل‌های ترکیبی که از درون این شرایط به وجود آمد، مانند مدل دیپلمات مذهبی‌ها، یا روشنفکری مذهبی و... اشاره کرد.

به باور وی مزیت این مدل‌های گوناگون تنوعشان بود. در واقع جامعه ایرانی از طریق این مدل‌ها می‌خواست موجودیت خود را حفظ کند و راهی برای پر کردن شکاف دولت و جامعه بیابد؛ اما در کنار این نکات مثبت و پر کردن شکاف دولت و ملت، این فعالیت مرزی و آدم‌های مرزی دو شکاف جدید به وجود آوردند یکی شکاف میان نخبگان و مردم و دیگری شکاف درون نخبگانی. به باور دکتر فراستخواه این آدم‌های مرزی بیشتر فعالیت و کنش تولید می‌کردند تا فضاها زیست‌پذیر، یعنی در نتیجه فعالیت اینان نهاد و ساختارهای دیرپا به وجود نمی‌آمد. در واقع دولت در این بین فعال، و جامعه منفعل بود. دکتر فراستخواه موفق‌ترین آدم‌های مرزی را آن‌هایی معرفی کردند که از تولید فعالیت



فرا تر رفته و فضای زیست پذیر تولید می‌کردند، جامعه مدنی را تقویت کرده و ظرفیت‌های سازمان‌یابی اجتماعی ایجاد می‌کردند. این افراد بیشتر از دولت کنار جنبش‌های اجتماعی رشد می‌کردند و با پتانسیل‌های جامعه تعامل می‌کردند همچون استاد غلامحسین صدیقی. سخنرانی بعدی این بخش از پنل دکتر احمد گل‌محمدی، بود که در مورد دولت در دو قانون اساسی مشروطیت و جمهوری اسلامی به سخنرانی پرداخت. وی باهم سنجی مفهوم دولت در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی، دو پرسش اساسی درباره چپستی و اهمیت دولت در این دو قانون را مطرح کرد و دو متن را از این نظر به بحث گذاشت. به باور ایشان در مشروطه دولت به‌عنوان امر سیاسی



مطرح می‌شود و مفهوم دولت با قدرت سیاسی هم‌نشین است. اهمیت دولت در این قانون نیز این است که ضامن بقای زندگی اجتماعی تعریف می‌شود. در واقع در این قانون دو شأن برای دولت وجود دارد، انحصار اعمال زور در دست اوست و نیز دولت نهاد نهادهاست، اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی با وجود این که ماهیت دولت شبیه مشروطه است و نظام هم‌عرض با دولت و قدرت معنی می‌شود، اما این قانون اگرچه دولت را هم‌نشین اعمال زور کند. فضیلت و اخلاق اینجا وارد قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌شود و دولت ضامن ایجاد محیط مناسب برای

رشد فضایل اخلاقی دانسته می‌شود. این شأنیت قائل شدن برای دولت از موضعی اخلاقی دست دولت را در قانون اساسی جمهوری اسلامی برای وارد شدن در حیطه‌های مختلف از جمله حیطه علم و دانشگاه باز می‌گذارد.

در ادامه دکتر حاتم قادری: پامنیدسیسم، فهم ماهیت دولت در ایران سخنرانی کرد. ایشان ابتدا عنوان کرد که سعی می‌کنند فلسفه و ماهیتی برای دولت به دست دهند و افزود محور قرار دادن یکی دو مبحث را با تسامح انجام داده‌اند. دکتر قادری برای جا افتادن بحث خود بخش مفتش بزرگ از کتاب برداران کارامازوف نوشته داستایوفسکی را شاهد مثالی آورد. در این بخش کتاب، مفتش بزرگ از مسیحی که دوباره به حیات بازگشته می‌خواهد که ساکت باشد، چون او دیگر همه حرف‌های خود را زده است. این رویکرد مفتش بزرگ شبیه رویکرد پامنیدس فیلسوف پیشاسقراطیست که برعکس هراکلیتوس قائل به ثبات و عدم دگرگونی بود. ایشان با این برداشت به سراغ تاریخ ایران آمدند و حکومت را در تاریخ ایران همان مفتش بزرگ دانستند. این مفتشی در قالب‌های مختلف در تاریخ ایران به حیات خود ادامه داده است. به باور دکتر قادری این نقش مفتشی را به کل نمی‌توان از دولت گرفت و ادعای آنارشستی مطرح کرد ولی می‌توان این نقش مفتشی را محدود و انسانی‌تر کرد. مفتشی نامحدود حاکم بر تاریخ ایران ضد تغییر و مخالف آزادی بود. به باور دکتر قادری مشروطه تلاشی بود برای گسست از این سیستم مفتشی و نیروهای هیئت حاکمه همیشه تلاش داشته‌اند این نظام پامنیدسی را حفظ کنند و همیشه از افشار شهری عقب‌تر بوده‌اند. راه برون‌رفت از این شرایط، دشوار است و تنها هر زمان این مفتش عقبه خود را از دست بدهد می‌توانیم امیدوار به خروج از آن باشیم. ایشان آثار این سیستم مفتشی را ترس نهادینه شده و به محاق رفتن آزادی و به‌ویژه آزادی اندیشه و بیان دانستند که جرأت اندیشیدن را از انسان می‌گیرد.

نشست دوم همایش (متفکران سنتی و مستشرقان)

در نشست دوم این همایش، دکتر سید حسین رضوی خراسانی، به بررسی و ارزیابی جایگاه حاکم در انواع جوامع موردنظر فارابی پرداخت. به باور ایشان هیچ‌یک از فیلسوفان دنیای اسلام به اهمیت فارابی نیستند و به همین دلیل ایشان به معلم ثانی معروف گشته‌اند. سیاست مهم‌ترین بخش فلسفه فارابی به‌عنوان بزرگ‌ترین فیلسوف سیاسی جهان اسلام است. زیربنای سیاست در نزد او متافیزیکی است و فضیلت اصل سیاست است. در باور فارابی همه صنایع دیگر بر محور سیاست می‌گردند و ممکن نیست چیزی بر سیاست نظارت کند. باوجود اهمیت سیاست در نزد فارابی، اما ماهیت آرمانی سیاست در نزد او سبب به حاشیه رانده شدنش می‌شود. به باور او سیاست تحت تأثیر اخلاق و اخلاق زیرمجموعه فضیلت است. این باورها سبب می‌شد که او در واقعیت سیاسی مرد عمل نباشد و مستقیماً در سیاست دخالت نکند. حتی در مدینه فاضله فارابی سعادت کامل دست نیافتنی است و در عمل حتی مدینه فاضله او به بن‌بست می‌رسد. در باور فارابی مشروعیت حکومت از جانب خداست، اما در مرحله اثبات به خواست مردم می‌رسد و این تناقض است و در واقع او مجبور می‌شود نقش مردم را بپذیرد. پارادوکس دیگر کار وی این است که در مدینه فاضله آدم جاهل و در مدینه جاهله، آدم فاضل پیدا می‌شود و این نتیجه تضاد نظرات او در وقتی است که می‌خواهد بر جامعه تطبیق دهد. در یک جمع‌بندی کلی به باور ایشان، فارابی در خلوت فلسفی



خود نتوانست راه جدیدی ایجاد کند. او در واقع خط بطلانی بر همه حکومت‌های دوره خود کشید، اما در ساختن الگویی عملی و اثبات پذیر ناتوان بود.

در ادامه سخنران دوم این پنل دکتر نیره دلیر، در خصوص نقد نظرات خواجه نظام الملک در باب مناسبات دولت و مردم سخنرانی ارائه کرد. وی نخست ضمن توجه به جریان ساز و اندیشه‌ساز بودن خواجه نظام الملک، اشاره می‌نماید که وی با توجه به زمینه زیست خود، تلاش دارد، سلطان دوره میانه را در مناسبات با مردم به عرصه واقعیت بکشاند. این نکته شالوده فکر او در سیرالملوک را تشکیل می‌دهد. اندیشه خواجه با واقع‌بینی تا حد زیادی از برخی شاخصه‌های اندیشه ایران‌شهری منفک شده و بسیار عملی‌تر به حوزه مناسبات حکومت با مردم پرداخته است. بجز بحث مشروعیت بخشی، خواجه در ترسیم مناسبات حاکم با مردم، از زاویه آسمانی نگاه نمی‌کند و او را از قدسیت خارج می‌کند، درحالی که در اندیشه ایران‌شهری، شاه در سراسر دوره خود و در مناسباتش با مردم کاملاً قدسی و دست نیافتنی به تصویر کشیده است، اما خواجه در مناسبات با مردم، خلفای راشدین، حتی پیامبران صاحب حکومت مانند یوسف پیامبر را نیز، مصون از بازخواست الهی در مقابل رفتار با مردم نمی‌داند. به‌رغم این رویکرد واقع‌بینانه، می‌توان نقدهایی را به اندیشه خواجه در این زمینه وارد دانست که شاید با توجه به زمانه وی و فضای فکری آن جامعه، این امر که وی بدیلی برای این رویکردها متصور نبوده را امری عادی باید دانست. خواجه با وجود تلاش برای قدسیت زدایی از مناسبات سلطان با مردم، راهبرد مشخص عملی در برابر ظلم حاکم ارائه نمی‌دهد؛ و عقوبت حاکم را کاملاً در اختیار خداوند گذاشته و آن را تا روز قیامت به تاخیر انداخته است. به‌عبارت‌دیگر در اندیشه خواجه نظام الملک، به‌رغم آن که تصویر حاکم در عرصه مناسبات با مردم کاملاً زمینی و واقعی ترسیم شده، اما عقوبت او کاملاً ماورایی تصور شده است. هر چند احتمالاتی از شورش مردم و چگونگی ابراز نارضایتی آنها از ظلم حکومت، در تفکر او وجود دارد، ولی به طور مشخص، راهکاری برای نقش‌آفرینی مردم در برابر حاکم ظالم قائل نیست.

سخنران سوم، دکتر فریدون الهیاری، به ارائه سخنرانی در مورد تکاپوهای نظری و عملی خواجه نصیرالدین در اصلاح مناسبات حکومت و جامعه ایلخانی پرداخت.

به باور وی دوره مغولی یکی از دوره‌های ویژه تاریخ ایران است، زیرا اوج تفاوت و تعارض بین حکومت و مردم را در دوره مغولی می‌بینیم. درواقع سؤال اصلی پیش روی افرادی مانند خواجه نصیر در این دوره این بود که حکومت مغول را چگونه بتوانند تا حدی با مردم هماهنگ کنند تا از فجایع جلوگیری کند. خواجه نصیر در تعبیری جالب مغولان را به سبلی تشبیه می‌کند که دیوان‌سالارانی



چون او وظیفه کنترل آن‌را بر عهده‌دارند. خواجه از بعد اندیشگی نیز کتاب‌های گوناگونی تألیف کرد مانند اخلاق ناصری و اخلاق محتشمی که در آن‌ها رگه‌های تفکر ایرانی به چشم می‌خورد و همچنین در تفکر او عدالت نقش بسیار پررنگی بازی می‌کند. سخنران چهارم، دکتر رضا بیگلرلو، به نقد و بررسی آرای سر جان مالکوم پیرامون مناسبات دولت و ملت ایران پرداخت. وی ابتدا به بیان مؤلفه‌های شرق‌شناسی و نقد این رویکرد توسط افرادی مانند ادوارد سعید اشاره و اضافه کرد این نگاه شرق‌شناسانه که مؤلفه‌های آن، گفتمان سلطه، اسلام‌ستیزی، دوگانه‌سازی غرب و شرق و در خدمت استعمار است، در مورد ایران‌شناسان انگلیسی و از جمله سر جان مالکوم به‌عنوان نخستین این ایران‌شناسان صدق می‌کند. ایشان سپس با آوردن مثال‌هایی از تاریخ ایران مانند عدم تربیت جامعه ایرانی، نقش همیشگی ایلات به‌عنوان غارتگر و همزاد بودن قدرت استبدادی حکومت با امنیت در تاریخ ایران، ریشه این برداشتها را همان رویکرد شرق‌شناسانه و در ادامه مأموریت سیاسی و دیپلماتیک سر جان مالکوم دانستند.

نشست سوم (متفکران مدرن و اندیشمندان)

سخنران اول، دکتر سید محمود سادات بیدگلی به بررسی رابطه دولت و ملت در آثار عبدالرسول مدنی کاشانی پرداخت و گفت: کاشانی دو رساله مهم دارد که یکی با عنوان رساله انصافیه چاپ شده ولی رساله دیگر او هنوز چاپ نشده است. با توجه به ناشناخته بودن این اندیشمند دوره قاجار و مشروطه و اهمیت این شخص در شهر کاشان به بررسی افکار او پرداخته می‌شود. عبدالرسول کاشانی تحصیل کرده نجف بود که به دلیل بیماری دوباره به کاشان بازمی‌گردد و تحت تأثیر پدرزنش ملا حبیب‌الله شریف قرار دارد. در این دوران در شهر کاشان به دلیل فعالیت علیه مشروطه، جو ضد مشروطه برقرار است. این شرایط باعث می‌شود از ملا حبیب درخواست شود رساله‌ای در دفاع از مشروطه بنگارد و او این کار را به داماد خود تفویض می‌کند و رساله انصافیه حاصل این کار است. کاشانی در این

کتاب فرق انسان و حیوان را آزادی می‌داند و آزادی را التزام به قانون می‌داند. از اندیشه‌های دیگر او دفاع از حق تحصیل و آموزش است. سخنران دوم، دکتر علیرضا ملایی توانی، به ارائه سخنرانی در خصوص بازخوانی روابط دولت و ملت در اندیشه شیخ ابراهیم زنجانی پرداخت. ایشان شیخ ابراهیم زنجانی را چهره‌ای جنجالی، بحث‌انگیز و ناشناخته دانستند که به دلیل نقش‌آفرینی در اعدام شیخ فضل‌الله

نوری می‌توان گفت هم حسن شهرت و هم بدنامی را توأمان برای او به ارمغان آورد. بیشتر نوشته‌های او یا با نام مستعار چاپ شده یا اصلاً منتشر نشده‌اند و این شناخت او را سخت‌تر کرده است. به طور کلی در مورد این شخصیت و آثار او نوعی بایکوت سازمان یافته وجود داشته است. شیخ ابراهیم در آن دوره توسط آخوند خراسانی تأیید شده بود؛ اما تفاوت اندیشه این شیخ ابراهیم با دیگران اندیشمندان این بود که او، مردم را در برابر دو ساختار یا نهاد قرار می‌دهد: قوه دینی و قوه سیاسی. و



ساخت این دو ساختار را برای درک ایران ضروری می‌داند. دو نهادی که پس از دوره صفوی به عنوان به نوعی تقسیم کار و توازن قوا دست یافتند که هیچ کدام قادر به حذف دیگری نبودند. دستگاه سیاسی برای مشروعیت به روحانی وابسته بود و دستگاه روحانی به عنوان تنها حاکمیت شیعه از دولت حمایت می‌کرد. درحالی که حکومت بر تن‌ها فرمان می‌راند، روحانیت بر جان‌ها حکم می‌راند. به باور شیخ ابراهیم، هرگاه مناسبات دوستانه بین این دو ساختار برقرار است، مردم ایران پناهگاهی نداشتند، اما حالت عکس آن فضای کنش ایجاد می‌کرد و این حالی هرچند به ندرت اتفاق می‌افتد اما نهایتاً به سود مردم ایران بود. نفوذ خارجی‌ان در دیدگاه شیخ ابراهیم در برابر این ساختارهای دیرپا نقش فرعی داشت. به باور او در مشروطه اجماع در برابر حکومت شکل گرفت، اما این اجماع در برابر نهاد روحانیت هیچ‌گاه اتفاق نیفتاد. در قضایای مشروطه نیز شیخ ابراهیم برای روحانیت هیچ شأن و جایگاهی قائل نیست و مبارزه اصلاح‌طلبان را بسیار اصیل‌تر و عمیق‌تر از روحانیون می‌داند. او تا آخرین آثارش به دموکراسی پایبند ماند. به باور دکتر ملایی توانی مهم‌ترین کار شیخ ابراهیم نقد نهاد مذهبی و طرح اندیشه اصلاح دین به عنوان راهی برای تنظیم مناسبات دولت و مردم است. سخنران سوم، این بخش از پنل، دکتر سید رضا شاکری بود که مورد درآمدی بر تبیین مناسبات حکومت و مردم در آثار علی شریعتی به ارائه سخنرانی پرداخت.

ایشان در ابتدای بحث خود دغدغه‌مندی‌اش را در رابطه با چهار شخصیت ایران معاصر، شریعتی، خمینی، آل احمد و نیما عنوان کرد و گفت: این افراد را به دلیل وحدت نظر و عمل‌شان واجد شناخت دانستند که انسان ایرانی را به پراکسیس تاریخی‌اش پیوند



زند. وی در این نشست به یکی از این چهار شخصیت یعنی دکتر علی شریعتی پرداخت و تقسیم‌بندی شریعتی درباره آثار خود به اجتماعات، اسلامیات و کویریات را تقسیم‌بندی درستی دانست. به باور ایشان شریعتی نوع جدیدی از نظریه رابطه حکومت و مردم را مطرح می‌کند که با محوریت ایرانی سوژه ایرانی تحقق می‌یابد. در این برداشت انسان ایرانی فاعل مختاری است و هرچند گرفتار زندان‌های مختلفی است ولی توان عبور از آن‌ها را دارد. شریعتی به نوعی برای دفاع از انسان ایرانی مسلمان وارد متن تاریخ می‌شود. او در نهایت به سؤال چه باید کرد می‌رسد؛ اما الگوی شریعتی یک



ناسازی دارد و این ناسازی را سعی می‌کند با وارد کردن توحید به‌عنوان یک جهان‌بینی در عرصه نظر و عمل در زندگی انسان مسلمان ایرانی پوشش دهد. شریعتی دیالکتیک را نه تحدید که فرصت می‌داند. در یک جمع‌بندی کلی به باور سخنران، شریعتی هنوز زنده است و بیشتر از بسیاری می‌تواند در دل تاریخ ما را نمایندگی کند و با توجه به دلالت‌های تاریخی گسترده‌ای که در آثار او وجود دارد اندیشه او را صرفاً نمی‌توان ایدئولوژیک دانست.

سخنران چهارم، دکتر محمدعلی اکبری، به بازخوانی انتقادی روایت حسین بشیریه از عوامل ناکامی مشروطیت پرداخت. ایشان در ابتدا بحث

خود را بر اساس کتاب موانع توسعه سیاسی در ایران؛ اثر دکتر حسین بشیریه دانست و سابقه این دغدغه را به دوره دانشجویی خود و انتخاب دکتر بشیریه به‌عنوان استاد راهنما رساندند که بر سر این کتاب با نویسنده آن گفتگوهایی داشتند و مطالب این نشست نیز برآمده از آن گفتگوهاست. دو قسمت اصلی این کتاب یکی بخش نظری و دیگری وضعیت ایران و موضوع عدم توسعه سیاسی آن است. در تعریف دکتر بشیریه از توسعه سیاسی تأکید بر نقش دولت و نیز نقش جامعه دو بخش اساسی هستند. ایشان برای توسعه سیاسی به شرایط لازم و شرایط کافی قائل هستند ولی آن چیزی که در بحث دکتر بشیریه مهم است شرایط کفایت است. سه شرط



کافی از منظر ایشان برای توسعه سیاسی، موضوع رابطه دولت و منابع قدرت (پراکندگی و تمرکز)، شکاف‌های جامعه و فرهنگ سیاسی نخبگان است. به باور دکتر بشیریه هر وقت منابع قدرت در دست دولت تجمع شود و ما امکان رقابت نداشته باشیم لاجرم دولت مطلقه پیدا می‌شود و این دولت مطلقه امکان توسعه سیاسی را ناممکن می‌کند. این دولت مطلقه شکاف‌های جامعه را تشدید و فرهنگ نخبگان جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در دوره گذار تاریخ معاصر ایران یعنی مشروطه تا رضاشاه که دوره تکوین دولت مطلقه در ایران است امکان شکل‌گیری مشارکت فراهم نیامد. دکتر اکبری با ارائه این نمای کلی کار بشیریه را چون مختص جامعه ایران است و درباره دولت مطلقه ایرانی بحث می‌کند و از الگوهای عام و جهان‌شمول استفاده نکرده است مفید دانستند، اما به باور ایشان این تئوری با ضعف‌های روبروست. بشیریه شرایط نیمه استعماری حاکم بر ایران را بسیار دست کم گرفته و آن را عاملی اتفاقی دانسته است، درحالی که این عامل در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ایران تأثیر عمیقی داشته است. در واقع در کنار شرایط لازم و کافی مطرح‌شده از جانب ایشان، جای خالی شرایط نادیده گرفته‌شده به چشم می‌خورد. بشیریه معتقد است، میان تمرکز منابع قدرت و عدم امکان کنش سیاسی رابطه مستقیمی برقرار است، این در حالی است که نظریه‌پردازان دیگر مثلاً هانتینگتون دولت قوی را نه تنها عامل عدم مشارکت بلکه عاملی محرک در رقابت و مشارکت می‌دانند و درستی این ادعای دکتر بشیریه ابتدا باید اثبات شود.

دکتر بشیریه وقتی شروط لازم و کافی را مطرح می‌کنند، عمده آن با تکیه بر جامعه است؛ اما در بحث ایران دوره مشروطه نمی‌گویند که آیا در ایران شرایط لازم وجود دارد که به سرعت به سراغ شرایط کافی می‌روند. اگر در ایران آن دوره امکان تأسیس حکومت مشارکتی وجود ندارد، بحث ایشان کاملاً انتزاعی می‌شود، (نوعی کوشش نظری سوای بحث انضمامی)

نشست چهارم (مباحث نظری ۲)

سخنران اول، دکتر حسینعلی نودری، در مورد رویکرد انتقادی به مؤلفه‌های تأسیسی دولت-ملت به ارائه سخنرانی پرداخت. وی ابتدا تأکید کرد که مبحث بیشتر شکل نظری خواهد داشت و بحث نظری دولت و ملت خواهد بود. به باور ایشان باید به سراغ سرمنشأ شکل‌گیری این مفاهیم برویم و این سرچشمه‌ها را بشناسیم و این‌ها مفاهیمی است که اتفاق نظر بر روی آن وجود ندارد. به باور ایشان عقلانی شدن (دموکراتیزاسیون)، بوروکراتیک شدن و سکولاریزاسیون، ستون فقرات دولت ملی هستند و دولت - ملت‌ها بر اساس این اصول شکل گرفتند. در جامعه ایران این فرایند نه امری درون‌زا و خود بنیاد، بلکه عارضی و برون‌زا اتفاق افتاد. به باور ایشان ما بدون این سه ستون نمی‌توانیم دولت ملی داشته باشیم و به دلیل فرایند گزرته برداری و کپی‌برداری ناقص و عدم نهادینه شدن این اصول توسعه سیاسی پایدار و تاریخی و نهادینه شده‌ای نداشته‌ایم.

سخنران دوم، دکتر علی جنادله، در مورد نقد تبارشناسانه بر ساخت؛ مسئله ایلات و عشایر و مناسبات آن با دولت در تاریخ ایران سخنرانی کرد. ایشان ابتدا ایلات و عشایر را در متن به حاشیه رانده شده تاریخ ایران دانست و سپس به وجود یک نگاه منفی در جامعه‌شناسی

سیاسی و تاریخی ایران به ایلات و عشایر که تبدیل به یک گفتمان غالب شده است اشاره کرد و کارهای کاتوزیان و اشرف و زیباکلام و علمداری را شاهد مثالی برای بحث خود دانست. این گفتمان استبدادزدگی به باور ایشان بر بحث غیاب جامعه بیشتر انطباق دارد. درواقع یک دولت غالب وجود دارد که همه چیز به آن ختم می شود (غیاب نیروهای اجتماعی) و دولت نیاز به مشروعیت بیرونی نداشته است. تمام تحولات به چرخه استبداد- هرج و مرج- استبداد فرو کاسته شده است و این ها ریشه نگاه منفی به ایلات به عنوان عامل این هرج و مرج هاست. دکتر جنادله پس از بررسی کوتاه این گفتمان سعی کرد نظر بدیلی مطرح کند. به باور وی اجزای جامعه ایرانی پس از دوره صفوی یعنی دولت، ایلات، روحانیون و بازار در یک توازن قدرت بودند و دولت آن نقش قهار گفتمان غالب را نداشته است. دولت از این منظر نیاز اساسی به این نیروهای اجتماعی داشت، بازار (نیاز مالی) ایلات (نیروی نظامی) و روحانیون (نیاز ایدئولوژیک) و به نوعی مجبور بود خودمختاری هر سه ضلع را به رسمیت بشناسد و دخالت و تجاوز آن گونه که ادعا می شود دلبخواهی نبوده است. به باور دکتر جنادله شکست ایران از روس ها و تفکر درباره علل این شکست ما را به سمت دولت متمرکز می کشاند که به حیطه های خودمختار جامعه دست درازی می کند و حرکت مشروطه نیز درواقع پاسخی به دست درازی های دولت به حریم خودمختاری ها است.

به باور ایشان در یک برداشت کلان گفتمان استبدادزدگی به نوعی حالت توجیه کننده پیدا می کند و در طول تاریخ ایران بر اصالت دولت استبدادی انگشت می گذارد و استبداد را یک ویژگی ذاتی این جامعه می داند و ما را وارد یک دور تکرار شونده می کند. این برداشت با تهمی کردن جامعه از نیروهای خودش، به دولت اجازه دست درازی به صورت بندی های اجتماعی را می دهد و سعی می کند یک سری عوامل را در مرکز قرار دهد و برخی از عناصر دیگر را از هستی ساقط کند. در مجموع گفتمان غیاب جامعه به باور ایشان هر چند رویکردی منفی به استبداد دارد، به نوعی به آن مشروعیت می دهد.

در پایان همایش نیز دکتر تکمیل همایون به عنوان یکی از پیشکسوتان حاضر در مراسم ضمن تشکر از دست اندرکاران این همایش به مناسبت انتخاب این موضوع با رویکرد نقد و زحمات فراوانی که برای برگزاری آن متحمل شده اند؛ سخنان مهمی را در زمینه نقد مطرح کردند. ایشان اشاره داشتند که سخنرانان هر نشست باید خودشان را نیز نقد کنند، زیرا حاصل این جلسات و همایش ها در جمع بندی و نتیجه گیری نهایی خود را باید نشان دهد؛ یعنی سخنرانان و صاحب نظران این حوزه ها نباید فقط به ارائه مطالب بپردازند بلکه روح گفتگوی مفاهیمی و بررسی انتقادی باید بر این جلسات حاکم باشد تا ما بتوانیم از دستاوردهای چنین نشست هایی استفاده کنیم و به جمع بندی و نتیجه گیری های مشخص برسیم.



معرفی کتاب‌های «مطالعات زنان» با حضور جمعی از بانوان پژوهشگر



ششمین نشست کتابخوان تخصصی با هدف معرفی کتاب‌های «مطالعات زنان» به همت معاونت فرهنگی - اجتماعی و با همکاری گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشگاه و همچنین نهاد کتابخانه عمومی کشور برگزار شد.

«کشف حجاب؛ بازخوانی یک مداخله مدرن»، «تاریخ شعر زنان» و «ایمان به مثابه عقل» از جمله کتاب‌هایی بودند که در این مراسم توسط دکتر فاطمه صادقی، دکتر روح‌انگیز کراچی و دکتر سیده زهرا مبلغ معرفی شدند.

دکتر صادقی در این نشست با طرح این موضوع که در تاریخ نگاری ۳ رویکرد وجود دارد، گفت: «رویکرد اول تاریخ نگاری قدسی است، رویکرد دوم تاریخ نگاری قدسی - عرفی است و رویکرد سوم تاریخ نگاری انتقادی است که برای تاریخ نگاری

زنانه باید به سراغ رویکرد سوم یعنی تاریخ نگاری انتقادی برویم و نقش زنان را در تاریخ تبیین کنیم.»

این محقق در ادامه به معرفی کتاب «کشف حجاب؛ بازخوانی یک مداخله مدرن» پرداخت و گفت: «بحث کشف حجاب در ایران موضوع بسیار مهمی است که نیاز به واکاوی و بررسی‌های بیشتر دارد چرا که حکومت رضاشاه نامشروع بود و با دستمایه قرار دادن کشف حجاب در پی یارگیری سیاسی بود که البته چندان هم موفق به این کار نشد. این کتاب ۶ فصل دارد و هر فصل به بازخوانی بخشی از این واقعه می‌پردازد.»

در ادامه این برنامه، کراچی با معرفی کتاب «تاریخ شعر زنان» که در سال ۹۴ منتشر شده، گفت: «ایده این اثر در سال ۶۰ شکل گرفت و به عنوان رساله دکتری خود را آن را انتخاب کردم. با تمام سختی‌هایی که وجود داشت این کار را به سرانجام رساندم، اما برای کامل کردنش نیاز به زمان داشتم تا اینکه در سال ۹۴ با تکمیل کردن آن به چاپ رسید. موضوع تاریخ شعر زنان یکی از موضوع‌های مهمی است که در تذکره‌ها نادیده گرفته شده است، در حالی که از قرن ۴ تا قرن ۸ ما حدود ۴۰۰ شاعر زن در مقابل ۸۰۰۰ شاعر مرد داریم.» وی در ادامه گفت: «این در حالی است که ذبیح‌الله صفا در کتاب مهم تاریخ ادبیات ایران تنها به نام ۲ شاعر زن در مقابل ۱۶۵ شاعر مرد اشاره کرده است. من سعی کردم با تألیف این کتاب هویت زنان شاعر را که از وجودشان غفلت شده بود، همانگونه که هستند معرفی کنم. این کتاب ۷ فصل دارد در هر فصل موضوع‌های مختلفی را بررسی کردم.»

مبلغ نیز در این نشست با معرفی کتاب «ایمان به مثابه عقل؛ رهیافتی معرفت‌شناسانه» اظهار داشت: «نسبت ایمان و عقل در فلسفه همواره مورد سؤال بوده است، اما هیچگاه پاسخ قاطعی به آن داده نشده است، در حالیکه دوبار فیلسوف فمینیست این سؤال را تغییر داده است و دیگر گونه به آن نگاه کرده است.»

وی در ادامه با تشریح نظرات این فیلسوف گفت: «این فیلسوف در برابر عقلانیتی که در قرن بیستم مبتنی بر سوژه و ابژه بود، عقلانیت مدرن دیگری پیشنهاد کرد و آن این بود که به جای اینکه زن ابژه شود، زن سوژه شود. در واقع هر زن و مرد دارای دو شأن سوژه و ابژه شود و بدین طریق تفاوت زن و مرد شناخته شود.»

دکتر مبلغ تأکید کرد: «در این مسیر مشخص می‌شود که زنان به معرفت بیرونی، معرفت مضاعف دارند و این مزیتی است که منجر به دسترسی به لایه‌های بیشتری از معرفت می‌شود. لذا این دیدگاه، اساساً عقلانیتی که احساس را کنار می‌گذارد، مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است بهتر زیستن در این است که همه قوای ادراکی از جمله احساس را در عقلانیت بگنجانیم.»

وی تصریح کرد: «در این حالت ایمان از عقل خارج نمی‌شود، بلکه در ضمن عقل تعریف می‌شود و در نتیجه تجربه زنانه از معرفت که حاوی احساس است، تصویر متفاوتی از خدا ایجاد می‌کند و به جای تصویر مردسالارانه از خدا قرار می‌گیرد.» در پایان این نشست اساتید به پرسش‌های حاضران پاسخ گفتند.

سخنرانی «تحلیلی‌شدگی زبان فارسی»

که تا آن روز برتر نبود، تبدیل به زبان قوم مسلط شد. بدین ترتیب، مکاتبات به فارسی باستان انجام شد. باید دید در این جامعه چه زبان‌هایی وجود داشته است. مثلاً سومری، اکدی و آرامی و... در این دوره رایج بوده است. هیچکدام از این زبان‌ها جزو زبان‌های صرفی نیستند و برخی نیز ایرانی نیستند. در یکی از این زبان‌ها ساخت ارگاتیو وجود داشته که امروزه در برخی گویش‌های ایرانی



دیده می‌شود. مدارکی که از حکومت هخامنشیان به دست آمده به زبان‌های دیگر به جز فارسی باستان نیز است. این فرض پیش می‌آید که این زبان‌ها برهم اثر گذاشته باشند. فارسی باستان که یک زبان صرفی کامل است، تغییر می‌کند. در زبان‌های صرفی عمده‌ترین عناصر زبانی اسم و فعل است و صفت و ضمیر تابع اسم‌اند. اما تمام پایانه‌های اسم از بین می‌رود و حروف اضافه به شکل پس و پیش اضافه به کمک می‌آید. هر کدام از این حروف اضافه یک یا چند نقش دستوری را نشان می‌دهند. در فارسی هم امروز همین مشکل را داریم. وقتی به دوره میانه می‌رسیم، در زبان سغدی حد میانی را می‌بینیم. مثلاً در پاره‌ای موارد در خط جنس دستوری را می‌بینیم. از سغدی که بگذریم، فارسی بسیار زود از جنس دستوری عبور کرده است و جنس، واژگانی شده است. از فارسی باستان به فارسی میانه نوعی هم‌ترازی صرفی انجام شده است.»

دکتر منشی‌زاده افزود: «به قاعده در آوردن صورت‌هایی که ظاهراً بی‌قاعده هستند، یکی از عوامل تحلیلی‌شدگی است. کاهش حشو در دستوری‌شدگی، تیرگی و شفافیت در ساخت واژه نیز در تحولات زبان تأثیرگذار بوده است. وی گذشت دو سه قرن را برای تحول زبانی از درون بسیار کوتاه‌مدت دانست و گفت احتمالاً تماس زبانی هم مؤثر بوده است. دکتر منشی‌زاده همچنین به تفاوت ماضی نقلی در فارسی باستان و اوستا اشاره کرد.»

سومین سخنرانی از سلسله سخنرانی‌های انجمن زبان‌شناسی ایران با عنوان «تحلیلی‌شدگی زبان فارسی» با حضور دکتر مجتبی منشی‌زاده، روز شنبه ۲ اردیبهشت در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

ریاست سومین جلسه سخنرانی را دکتر نصرالله‌زاده، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برعهده داشت. دکتر منشی‌زاده، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، سخنران این جلسه، در ابتدا گفت: «همواره این سؤال مطرح بوده است که چگونه زبانی مانند فارسی باستان و قدری از آن پیچیده‌تر یعنی اوستا، در طی دو سه قرن تحولاتی پیدا می‌کند که بسیار عمیق است و در لایه‌های زبانی قابل مشاهده است. پاسخ دقیق به این تغییرات شگرف دشوار است.» وی افزود: «فارسی میانه زرتشتی و پهلوی با فارسی امروز قابل قیاس نیست. اگر کتاب «نامه‌های منوچهر» را که پرسش و پاسخی است به سؤالات عقیدتی و دینی با زبان همان دوره مقایسه کنیم، تغییرات بسیار زیادی می‌بینیم.»

وی افزود: «برای پاسخ به این سؤال میانی نظری بسیاری مطالعه شد و در یکی از این بررسی‌ها که جامعه‌شناسی زبان است، بحث تماس زبانی پیگیری شد. چراکه پاسخ به این تغییرات در این حوزه قابل بررسی است. یکی از ویژگی‌های تحلیلی‌شدگی تغییر یا تحول زبانی است. بخشی از تحولات، درونی است و سالیان سال طول می‌کشد تا یک صورت زبانی تغییر کند. البته این نوع تحول طولانی مدت است. برخی از تحولات بیرونی هستند که همان تماس زبانی است. زبان‌هایی که به سرعت تغییر کرده‌اند، زبان‌هایی بوده‌اند که با زبان‌های دیگر در تماس بوده‌اند. یکی از عوامل بیرونی، زبان واسط و میانجی است. مثل زبان سغدی در فارسی. گفته می‌شود در تحولات درونی کودکان و در تحولات بیرونی بزرگسالان دخیل هستند.»

دکتر منشی‌زاده در ادامه گفت: «زمانی که صحبت از تحول زبان می‌شود معمولاً ظهور فعل‌های مودال را به‌عنوان نشانه تحلیلی‌شدگی می‌خوانند. اما فقط این نیست. چراکه در کنار آن دستوری‌شدگی و واژگانی‌شدگی و تحولات دیگری مانند قیاس و جز آن مطرح است.»

وی افزود: «ما خانواده زبانی‌های هند و اروپایی را و زیرمجموعه آن خانواده زبان‌های هندوایرانی داریم. ایرانی باستان شامل چندین زبان است که یکی از آنها فارسی باستان است. نسبتی بین فارسی باستان و ظهور سلسله هخامنشی وجود دارد. قبل از این سلسله، قوم ایرانی به این منطقه آمده بود و در جامعه متنوع زبانی آن دوره جای باز کرده بود؛ هرچند جامعه زبانی برتر نبود. احتمال قرض‌گیری در آن دوره وجود دارد. بعد از استقرار کورش، زبانی



نشست «ظهور و افول سلطنت منتظم در عصر انتقالی ایران»

می‌شود. چطور می‌شود چیزی را مسئله کرد. گفتمان دولت منتظم به باور ایشان در واقع چیزی را مسئله کردن و بر پایه آن مسئله به دنبال راهکار پیدا کردن، قابل بحث است. بر اساس رویکرد مدنظر فوکو، مسأله کشف کردنی نیست بلکه آن را می‌سازیم. ما واقعیت را پرابلماتیزه می‌کنیم. این که چه چیز را و چرا چیزی را پرابلماتیزه می‌کنیم مورد بحث این تاریخ است. ایشان با این مقدمه به سراغ بحث اصلی خود رفتند که گفتار سلطنت مطلقه منتظم چگونه پرابلماتیزه می‌شود و چه راه‌حلی ارائه می‌دهد.

ایشان رساله تنظیمات (کتابچه غیبی) میرزا ملکم خان را ستون اصلی این گفتمان دانستند که بر اساس آن می‌توان ساخته شدن این گفتمان را توضیح داد. چگونه مسئله ساخته شد و چه پاسخی از آن درآید هدف اصلی ایشان است. پرسش این است مسئله ایران چیست؟ اولین بار این سؤال از جانب عباس میرزا پرسیده شد. در رساله تنظیمات یک پاسخ داده می‌شود به این سؤال، نهاد و الگو و شیوه حکمرانی مسئله می‌شود؛ و این مسئله کشف نمی‌شود و از میان ده‌ها مشکل دیگر ساخته می‌شود. اینجا دولت و سازوکار حکمرانی برجسته می‌شود. مسئله ایران، دولت آن است. اساس حکمرانی به مسئله تبدیل می‌شود و تبدیل به ریشه اصلی می‌شود. این گفتار پایه‌گذار جریانات اساسی تاریخ ماست. انگشت اشاره به دولت تبدیل به گفتمان غالب می‌شود حتی در سایر جریانات. کلیت و تمامیت تاریخ دولت‌سازی مسئله می‌شود که باید مورد رسیدگی واقع شود. اگر مسئله اصلی ایران نافرمان بودن جامعه مدنی و پس‌افتادگی آن می‌شد، صورت‌بندی کاملاً فرق می‌کرد. تمامی ایده‌های دولت‌محور ریشه در این مسئله دارد و راه‌حل مسئله ایران هم باید از درون دولت دریابد. الگوی حکمرانی که میراث تمدنی ایران است برای ملکم همان مسئله است، به باور او در دوره ناصری پانصد سال از دوره فتح‌علی‌شاه فاصله گرفته‌ایم چون افق تازه‌ای در محدوده دید ما قرار گرفته است. او مسئله را می‌سازد و مشخص می‌کند چه چیزهایی مسئله نیست. خدا را مسئله نمی‌داند، پادشاه به معنی شخص مسئله نیست، تاریخ ما

به همت گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده تاریخ، نشست «ظهور و افول سلطنت منتظم در عصر انتقالی ایران» با سخنرانی دکتر محمدعلی اکبری، در راستای طرح مسأله محور «مفهوم پادشاهی و سلطنت در تاریخ ایران» با حضور علاقه‌مندان در پژوهشگاه برگزار شد.

دکتر محمد علی اکبری، استاد و مدیر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، سلطنت منتظم را در دو حوزه گفتمان سیاسی و پروژه سیاسی به بحث گذاشت. آنچه ایشان در این جلسه به آن تکیه کرد گفتمان سیاسی است، زیرا با پروژه سیاسی تقریباً همه آشنایی دارند. دوره تلاش برای سلطنت منتظم سه مقطع، سه‌ساله،

ده‌ساله و دوساله دوره امیر کبیر، سپهسالار و امین‌الدوله را دربرمی‌گیرد که این موضوعات با توجه به اسناد جدید هنوز جای کار دارد. این موضوع به باور ایشان در سطح گفتمانی زیاد مطرح نشده است؛ این که این گفتمان در چه قالبی به وجود آمد و هژمونیک شد مطرح نشده است.

همه کوشش‌های این سال‌ها از گفتمان سلطنت مطلقه منتظم ریشه می‌گیرد و نهایتاً این گفتمان به گفتمان دولت مدرن تبدیل می‌شود. سه گفتمان دولت مطلقه، مشروطه و دینی سه گفتمان رایج در ایران بوده‌اند. گفتمان دولت مطلقه، گفتمان دولت مدرن منهای دموکراسی است. در دوره پهلوی اول و دوم نیز رگه‌های آن را می‌توان دید. ایشان در روش ورود به بحث خود، از مفهومی از فوکو به نام تاریخ پرابلماتیک بهره گرفتند. فوکو این روش را برای تاریخ اندیشه‌ها و ایده‌ها و گفتمان‌ها به کار گرفته است. پرابلماتیک در ریشه یونانی به‌مثابه چیز جدیدی بود که ما نمی‌دانستیم آن را کجا قرار دهیم و در واقع چیز نویی بود که مطرح می‌شد. فوکو اعتقاد دارد مسئله کردن چیزی توسط ما (پرابلماتیک کردن) نه معطوف به امر بیرونی، بلکه بیشتر نتیجه مواجهه‌ای است که ما با واقعیت خارجی داریم. پرابلم‌ها به‌نوعی در واقعیت خارج وجود ندارند. مسئله خود واقعیت نیست بلکه ما در مواجهه با واقعیت آن را می‌سازیم. این مواجهه ماست که راه‌حل‌ها را به وجود می‌آورد؛ اما چطور یک چیز تبدیل به مسئله



مسئله نیست. بلکه شکل و ترتیبات حکمرانی مسئله است، اما چرا ساختار دولت مسئله است. نظام حکمرانی مال این نیست که عقلا سرکار نیستند و در مقابل آن علم را می‌گذارد. آن چیزی که ندارند عقل نیست علم است. به باور ملکم خان دست‌اندرکاران عاقلند ولی عالم نیستند (عاقل بودن میرزا آقاخان). علم و رای عقل است. بی‌اعتباری حکمرانی عقلا را می‌خواهد ثابت کند که با عقل طبیعی کارها راه نمی‌افتد. بعضی‌ها عیب کارا را به فروعات و به خائنان ارجاع می‌دهد. اشکال را به پرسنل ارجاع می‌دهند. به باور ملکم بی‌عقلی و خیانت‌کاری مسئله نیست و شخص پادشاه هم نیست. مشکل اساساً این ترتیب از حکمرانی است. به باور او هر وقت در دولت قوه تصمیم‌گیری و اجرایی یکی می‌شود نتیجه این می‌شود و منشأ همین است. سلطنت در ایران مستقله است (مشروعیتش را از طبقات اجتماعی نمی‌گیرد). دوم سلطنت در ایران اختیاری است (خودکامگی)، این دو رکن سلطنت در ایران بوده است. مستقله بودن برای ملکم مسئله نیست. اختیاری بودن برای او مسئله است. او مثل معمار و بنا مصالحی را انتخاب می‌کند و می‌سازد. ملکم شیطنت می‌کند و این خودکامگی را به صدراعظم منصوب می‌کند (خلسه اعتمادالسلطنه). حکومت در این شکل خودکامه (قدیمی) مسئله است. اگر دنبال این هستید که از داخل این سیستم شفا پیدا کنید امکان‌پذیر نیست. اختیاری بودن مسئله است. تصمیم و اجرا به عنوان دو قوه تا زمانی که باهم‌اند گرفتاری پابرجاست. این به‌عنوان مسئله ساخته شد. دولت مسئله شد. مسئله ایران در نهایت تلفیق قوه تصمیم‌گیری و اجرایی است و راه‌حل هم در واقع جدا کردن این دو قوه است. این دو قوه از هم جدا شوند (سلطنت مطلقه منتظم یعنی همین). این وضعیت تقدیر ایران نیست بلکه ناشی از این مسئله (دولت) است. این‌ها از این به بعد به‌عنوان امر واقع جای‌گذاری می‌شوند. نظم‌گفتمانی شکل می‌گیرد؛ اما اگر در پاور ملکم مسئله، مستقله بودن سلطنت در ایران بود گفتمان کاملاً متفاوت بود. ما با امور یافتنی سروکار داریم نه با امور واقعی و حقیقی. هدف سخنران نشان دادن همین ساخته‌شدن مسئله بود. این گفتمان تنها آن موقع عوض می‌شود که مسئله عوض می‌شود و مستقله بودن دولت تبدیل به مسئله می‌شود در برابر اختیاری بودن دولت (کانون عوض می‌شود) از

دل‌گفتمان دوم مشروطه بیرون می‌آید. این نحوه ساخته‌شدن مسئله، نیازمند یک افق بدیلی است. افق تاریخی سلطنت کهن خودبه‌خود زیر سؤال نمی‌رود و رؤیت‌پذیر نیست. بدون بدیل هیچ‌وقت ارجاع فوق پرسنلی مورد ارجاع قرار نمی‌گیرد. خود ساختار بدون بدیل مورد پرسش قرار نمی‌گیرد. ظهور افق تاریخی جدید و بدیل علت این تغییر نگاه است. اگر ما در افق تاریخی عصر مدرن قرار نمی‌گرفتیم امکان مواجهه اینچنینی با سنت تاریخی را پیدا نمی‌کردیم. ساخته‌شدن گفتمان جدید نتیجه افق جدید است که به ما اجازه نگرستن از بالا را به ما می‌دهد. ایده سلطنت مطلقه منتظم ایده مدرن است. از شکم عصر سنت نمی‌توانست بیرون بیاید. اقتضائاتش وجود نداشته است. ما در این زمان با عصر جدید پیوند می‌خوریم. افق بدیل زاده گشته ما با میراث تمدنی خودمان و افق تاریخی جدید است. میرزا ملکم خان حتماً با دولت دموکراتیک آشناست اما هیچ بحثی از آن نمی‌کند چون اقتضائات خود را می‌داند و دنبال دگرگون کردن وضع خود است. کم‌وبیش پروژه او قابلیت اجرایی دارد، به دلیل اینکه توجه به اقتضائات داشته است. اصل تحول فرنگ را تحول آیینی (علم) آن می‌داند که ما از آن به‌کل بی‌بهره‌ایم. هم مسئله ما و هم راهکار آن نتیجه افق تاریخی جدید ماست که ساخته می‌شود. قانون در اینجا برای ملکم مرزی می‌کشد بین دولت در معنای قدیم و جدید. کار ویژه‌های این مسئله برای ملکم مهم می‌شود. دولت منتظم ملکم مطلقه پادشاهی است اما در پایین تفکیک نهادی وجود دارد و قانون حکم‌فرماست. در جمع بندی به باور دکتر اکبری، مسئله‌ها ساخته می‌شوند و راه‌حل‌ها از درون آن پیدا می‌شوند و ما در رویکرد ملکم کاملاً این روند را می‌بینیم. این نحوه مواجهه به ما می‌گوید که کدام اقتضائات ملکم را و سازندگان این مسئله را به آن سمت برده است. وظیفه دانشی که هدف خود را تغییر جهان می‌داند نه تفسیر جهان ناگزیر از این مواجهه پروبلماتیک است. این مواجهه انتقادی به همین الگو می‌انجامد. این گفتمان اقتضای ایران دوران انتقال بوده است؛ و هم در عرصه نظر و هم در عرصه عمل هرژومونیک می‌شود.



نخستین همایش ملی «ادب کلامی و اجتماع»

این همایش از بین چکیده‌های ارسالی، ۲۳ چکیده انتخاب و در نهایت ۹ مقاله برای ارائه و چاپ برگزیده شد.

سخنران اول و ویژه این همایش دکتر سید حسن حسینی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران بود که با موضوع «بی‌ادبی کلامی، انحراف اجتماعی» به ایراد سخنرانی پرداخت. وی زبان را مجموعه پاسخ‌های انسان به پرسش‌های برآمده از زندگی در جامعه تعریف کرد و اختراع زبان آوایی را انقلابی در زندگی اجتماعی انسان‌ها دانست. سن، جنسیت و طبقه اجتماعی از زمره عوامل اثرگذار بر تفاوت‌ها هستند و طبق پژوهش‌های صورت‌گرفته، زنان به دلیل عوامل اجتماعی مختلف، از صورت‌های زبانی بهتر یا صحیح‌تری استفاده می‌کنند. به گفته وی فحش و فحاشی در ادبیات ایران قدمت طولانی دارد و نخستین سند ثبت‌شده از فحاشی در نوشته‌های موبدان (به شکل نفرین) دیده شده است. در دنیای امروز با نوع دیگری از فحاشی هم سر و کار داریم که با دست و ایما و اشاره و دیگر اعضای



نخستین همایش ملی «ادب کلامی و اجتماع» به همت انجمن «زبان‌شناسی ایران» و با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و نشر «نویسه پارسی» در روز پنج‌شنبه ۳۱ فروردین در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار گردید.

بدن انجام می‌شود.

ریاست نشست نخست با موضوع ادب و جامعه بر عهده دکتر آقا گل‌زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس بود. وی مباحث مربوط به ادب و نظایر آن را پیش‌نیاز و هم‌نیاز تحلیل‌گفتمان دانست. به گفته وی نگاه امروز به ادب، نگاهی پسامدرنیستی است و قضاوت در مورد ادب، مخاطب‌محور است. در ادامه سخنران اول این نشست دکتر سپیده عبدالکریمی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی به ارائه مقاله مشترک خود با سمیه سلیمیان، کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی با عنوان «بازنگری تعریف مفهوم «وجهه» در فرهنگ ایرانی؛ بررسی کارایی نظریه‌های «ادب کلامی» در فرهنگ ایرانی» پرداخت. پس از بررسی نقدهای مختلف و همچنین پس از مطالعه ساختار جامعه ایرانی، این نتیجه حاصل شد که در بررسی وجهه در فرهنگ‌های جمع‌مدار همچون فرهنگ حاکم بر ایران، نمی‌توان تعریف براون و لوینسون و گافمن را تا حد موردانتظار کارآمد دانست و باید بافت موقعیتی و مقطع زمانی را نیز مد نظر قرار داد. در بافت‌های پیش از دهه هفتاد بهتر است از تعریف اصلاح‌شده گافمن از وجهه استفاده شود که در آن بر نقش جامعه به اندازه نقش خود فرد در تعیین وجهه او تأکید شده است. مقاله دوم با عنوان «بررسی دیدگاه زبان‌آموزان

همایش با سخنرانی دکتر بلقیس روشن، رئیس انجمن زبان‌شناسی ایران آغاز شد. وی ضمن عرض تبریک سال جدید و آرزوی سالی سرشار از موفقیت، از دست اندرکاران این همایش، به ویژه دبیران علمی و اجرایی سپاسگزاری کرد. سپس دکتر زهرا ابوالحسینی یکی از دبیران علمی این همایش توضیحاتی را در خصوص همایش ارائه کرد. به گفته وی مباحث مربوط به حوزه ادب، از زبان‌شناسی اجتماعی نیز جوان‌تر است. علی‌رغم پژوهش‌های نظری انجام‌شده، هنوز نمی‌توان گفت این نظریه‌ها چه میزان جهان‌شمول و فرهنگ-بنیاد هستند. وی این همایش را گامی در جهت روشن‌کردن مسائل مختلف این حوزه و پرداختن به عمق موضوعی علمی و عملی، و پیشبرد عملی‌کردن این حوزه در عرصه‌های عمومی دانست. برای برگزاری



ادب لیج در اشعار پروین اعتصامی» توسط دکتر رضا خیرآبادی، عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و آزاده کشوردوست، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس انجام شده



بود. هدف از این پژوهش تحلیلی-توصیفی، مقایسه رعایت و نقض اصول ادب لیج در ۲۰۰ بیت منتخب از اشعار پروین اعتصامی بود. نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بیشترین موارد نقض مربوط به

اصل درایت و کمترین آن مربوط به اصل همدردی بود که با توجه به ماهیت شعر تعلیمی، توجیه‌پذیر به نظر می‌رسید. نقض اصل ادب در این اشعار، پایان گفتگو را به دنبال نداشته و مکالمه دو طرف همچنان ادامه پیدا می‌کرد که می‌توان علت آن را هدفمند بودن اشعار و تلاش برای القای مفاهیم موردنظر شاعر به مخاطب دانست. مقاله بعدی با عنوان «ادب کلامی سعدی: مطالعه‌ای گفتمانی بر مبنای آرای سعدی»، توسط دکتر بهروز محمودی بختیاری، دانشیار گروه هنرهای نمایشی دانشگاه تهران و فائقه شاه‌حسینی، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور صورت گرفته بود. برای انجام این پژوهش پس از بررسی بوستان و گلستان، ۲۰۶ بیتی که به طور خاص به مفهوم ادب و چگونگی رفتار با دیگران می‌پرداختند، جدا شدند. سپس هر یک با راهبردهای ادب براون و لوینسون و اصول مشارکت کلامی گرایس مقایسه شدند تا میزان همسویی پندهای سعدی با معیارهای آن‌ها مشخص شود. درنهایت روشن شد که می‌توان معیارهای سعدی را به عنوان اصول ادب سعدی، به

غیرفارسی‌زبان در پاسخ به پرسش‌های آزمون منظورشناسی تعارف: تجزیه و تحلیل تفاوت‌های جنسیتی در میزان درک کنش‌های گفتاری احترام‌آمیز و ادب»، توسط امین شهبازی، کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی ارائه شد که به طور مشترک با دکتر زری سعیدی، استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه علامه طباطبایی انجام شده بود. به گفته وی برای انجام این پژوهش ۶۰ نفر زبان‌آموز غیرایرانی زن و مرد (۳۰ خانم و ۳۰ آقا) در سطح پیشرفته آموزش، به روش نمونه‌گیری در دسترس از مؤسسه بین‌المللی دهخدا، دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه تهران انتخاب شدند و پرسشنامه‌ای حاوی ۳۵ سوال به آن‌ها ارائه شد. نتایج حاکی از آن بود که زنان در مقایسه با مردان درک بیشتری از کنایه داشتند، اما درک زنان و مردان در تعارف‌های احترام و عاطفی تقریباً مشابه بود. بنابراین جنسیت زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان در درک تعارف‌های احترام و عاطفی تأثیرگذار نیست، اما در درک تعارف کنایی تأثیرگذار است. مقاله سوم با عنوان «بررسی میزان استفاده از راهبردهای ادب جهت حفظ وجهه در همسایگان» توسط شاهد زنده راد، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران ارائه شد. به گفته وی داده‌های این پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌ای از نوع پرسشنامه آرتگ (DCT) گردآوری شد که در آن ۱۰۰ خانواده در ۲۰ موقعیت فرضی مختلف در موقعیت‌های صمیمی و غیرصمیمی قرار گرفتند و یکی از گزینه‌ها را انتخاب کردند. نتایج حاصل از این تحقیق این بود که بین طبقات اجتماعی مختلف در موقعیت صمیمی و غیر صمیمی با نوع راهکارهای ادب که آن‌ها در تعاملات خود به کار می‌برند، تفاوت وجود دارد. در موقعیت صمیمی، طبقات اجتماعی بالا و متوسط به ترتیب تمایل به استفاده از راهکارهای ادب مستقیم، ادب کنایه‌دار، ادب منفی، ادب مثبت دارند اما در طبقه اجتماعی پایین، میزان استفاده از ادب مثبت کاهش چشمگیری نسبت به باقی طبقات دارد. در موقعیت غیرصمیمی هر سه طبقه تمایل به استفاده از ادب منفی دارند.

پس از استراحت و پذیرایی، نشست دوم با عنوان ادب و فرهنگ به ریاست دکتر مجتبی منشی‌زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی آغاز شد. سخنران ویژه این نشست دکتر مهید غفاری از دانشگاه کمبریج از طریق ارتباط با اسکایپ به ارائه سخنرانی خود با عنوان «حضرتعالی به بنده لطف فرمودین» پرداخت. به گفته وی ما در زبان فارسی با پیوستاری از شکل بسیار مؤدبانه تا غیر مؤدبانه روبرو هستیم و صورت‌های زبانی در جایگاه‌های مختلفی در این پیوستار قرار دارند. شاید برای بومی‌زبان، این گوناگونی و در پیوستار قرار گرفتن، به شکل ناآگاهانه قابل فهم باشد اما برای زبان‌آموز فارسی، گیج‌کننده است. مقاله دوم با عنوان «بررسی میزان کاربست اصول



لحاظ ویژگی‌های منحصر به خود و منطبق با ریشه‌های ادب ایرانی، تلقی کرد. سخنرانی پایانی این نشست توسط غلامرضا خادمی، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران با موضوع «بررسی کنش گفتاری نفرین در گویش بختیاری زز و ماهرو» ارائه شد. به گفته وی در این



پژوهش علاوه بر شم زبانی نگارنده، داده‌های زبانی با استفاده از روش میدانی نیز جمع‌آوری شد. سپس داده‌های زبانی براساس عناصر به‌کاررفته، موضوع نفرین و محتوای آن‌ها طبقه‌بندی شدند. مشخص شد که این کنش گفتاری بیشتر زنانه است تا مردانه. همچنین نقش عوامل طبیعی از جمله «ستاره» در این کنش گفتاری بسیار مشهود بود که مبتنی بر عوامل فرهنگی می‌نمود.

در این همایش زمانی نیز برای ارائه پوستر در نظر گرفته شده بود. شش پوستر ارائه شد که عناوین و ارائه‌دهندگان آن‌ها به شرح زیر است: ۱- «کنش گفتار عذرخواهی در بین مردان تحصیل‌کرده ایرانی و تأثیر جنسیت و قدرت اجتماعی طرف مقابل روی شیوه عذرخواهی»: وحید کرد و وحید آل‌محمد، دانشجویان کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه تهران. نتیجه این پژوهش نشان داد که مردان تحصیل‌کرده ایرانی، در شرایطی که خود را مقصر بدانند، مسئولیت عمل خود را پذیرفته و به روش‌های مختلف به خصوص قبول مسئولیت و عذرخواهی مستقیم، در پی جبران برمی‌آیند. ۲- «بررسی پدیده ادب و حفظ وجهه در گفتار زوجین در دو نسل متفاوت»: فروغ تالوصمدی. نتایج این پژوهش نشان داد که روی هم رفته، مصادیق کاربرد راهبردهای غیرمستقیم در میان پاسخ‌دهندگان از فراوانی بیشتری برخوردار بود که این نکته می‌توانست ریشه در فرهنگ، هنجارهای اجتماعی و نوع روابط در میان زوجین داشته باشد. ۳- «بررسی تطبیقی روند رشد ادب زبانی کودکان در مناطق ۱ و ۱۹ شهر تهران»: افسانه ارجمندیان. نتایج نشان داد که تفاوت‌های طبقاتی می‌توانست به طور خاصی ادب زبانی کودک را تحت شعاع خود قرار دهد. ۴- «بررسی راهکارهای مؤدبانه زبانی برای بیان درخواست با توجه به مؤلفه صمیمیت بین استاد و دانشجو»: سلیمه زمانی،

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، سمیرا دیلمقانی، دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. نتایج این پژوهش حاکی از همبستگی بین سطح درخواست و رابطه صمیمی با استاد، و در برخی موارد همبستگی بین صمیمیت و استفاده از واژه خطاب «استاد» بود.

۵- «نگرشی خصمانه در بُعد «برهم‌کنشی»، مخالفت با مزدک در نوشته‌های زرتشتی»: علی جباری مهمانی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، علیرضا حیدری، دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات. براساس شواهد در این تحقیق، نویسنده مزدک‌نامه منظوم، بیشترین کمیت را در بی‌ادبی نسبت به مزدک مرتکب شده است. ۶- «زن و ادب در داستان «به کی سلام کنم»، سیمین دانشور و «ریستایف» تونی موریسون»: مرضیه لطفی، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. نتایج نشان داد که در فرهنگ ایرانی همانند فرهنگ آمریکایی از وجهه ایجابی و سلبی برای حفظ ادب استفاده می‌شود.

پس از ساعاتی که برای نماز و ناهار در نظر گرفته شده بود، نشست پایانی به ریاست دکتر علی‌اصغر سلطانی، دانشیار گروه زبان‌انگلیسی دانشگاه باقرالعلوم آغاز شد. مقاله اول با عنوان «تحلیل مبانی ادب و بی‌ادبی کلامی در مناظره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا ۲۰۱۶» توسط سمیه شوکتی مقرب، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه شیراز ارائه شد که کاری مشترک با امیر رضایی‌پناه، دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی بود. به گفته وی چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر ترکیب نظریه ادب کلامی کالپپر و نظریه مربع ایدئولوژیک ون‌دایک است. نخست متن مناظره‌ها براساس نظریه ادب و بی‌ادبی کلامی تجزیه و تحلیل شد و سپس موارد بازنمایی مثبت گفتمان خودی و بازنمایی منفی گفتمان رقیب به‌ویژه نامزد حزب دموکرات تبیین گردید. نتایج نشان داد که کلیتتون برخلاف ترامپ عموماً در لفافه و با رعایت برخی محدوده‌ها از ابزارهای بی‌ادبی کلامی بهره برده است، اما ترامپ صراحت بیشتری داشته است. عدم رعایت نوبت‌گیری و تجاوز به سخن یکدیگر و عمل جسورانه در هر دو مشاهده شده است، اما سهم ترامپ در این زمینه بیشتر به نظر می‌رسید. در نتیجه ترامپ به واسطه تعریف مناسب‌تر و همسوتر هویت خویش در ارتباط با جامعه آمریکا توانست از ابزارهای سلبی و ایجابی ادب و بی‌ادبی کلامی به شکلی موفق‌تر و کارآمدتر استفاده کرده و پیروز انتخابات شود. در ادامه مژگان سوقانی، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران به ارائه مقاله مشترک خود با دکتر زهرا ابوالحسنی، استادیار گروه زبان‌شناسی مرکز تحقیق سازمان سمت، با عنوان «بررسی ادب

اجرای این همایش و مسئول دفتر انجمن زبان‌شناسی ایران به عمل آوردند که با تلاش و فعالیت بی‌شائبه خود برای برگزاری همایش، به دبیران علمی اجازه دادند تا تنها دغدغه مسائل علمی را داشته باشند. وی یکی دیگر از فواید این همایش‌ها را گردآمدن اهالی جامعه زبان‌شناسی کنار هم و بحث و تبادل نظر عنوان کرد و سخن خود را با این شعر طنز به پایان برد که: در سمینار و مجلس ترحیم/می‌توان دید دوستان قدیم.
این همایش با عکس یادگاری برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان در این همایش به پایان رسید.



و بی‌ادبی کلامی در گفتگوها و گزارش‌های ورزشی تلویزیون» پرداخت. ۲۴ مصاحبه ورزشی تصویری مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ از جمله برنامه نود و برنامه‌های ورزشی شبکه دو و سه، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دادند. نتایج حاصل از این پژوهش براساس آزمون آماری خی دو و کندال حاکی از آن بود که راهبردهای ادب بیشتر از راهبردهای بی‌ادبی استفاده شدند. راهبرد ادب مثبت و راهبرد بی‌ادبی منفی بیشترین کاربرد را داشتند. همبستگی معناداری بین متغیرهای مورد بررسی (سن جنسیت و تحصیلات) و کاربرد راهبردهای ادب مشاهده نشد. رابطه معناداری بین متغیرهای جنسیت و سن با میزان استفاده از راهبردهای بی‌ادبی دیده شد اما این راهبردها، همبستگی معناداری با متغیر تحصیلات از خود نشان ندادند. سخنرانی پایانی این همایش با عنوان «تاثیر شبکه‌های مجازی اجتماعی بر ادب کلامی: مطالعه موردی نظر کاربران دانشگاه ایلام»، توسط مرضیه قاسمی، دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه اسلام ارائه شد که کاری مشترک با دکتر طاهره افشار، استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه ایلام بود. به گفته وی جامعه آماری این پژوهش را تمام دانشجویان دانشگاه ایلام به تعداد ۶۷۸۵ نفر تشکیل می‌دادند که از این میان ۳۶۴ نفر با توجه به فرمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه پژوهش به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. نتایج نشان داد که بخش قابل توجهی از کاربران معتقدند شبکه‌های مجازی و اجتماعی مختلف بر روی ادب کلامی افراد مختلف تأثیر بسزایی دارند و می‌توانند گسترش‌دهنده عادات و ناهنجاری‌های کلامی منفی در جامعه باشند.

در پایان این نشست دکتر سلطانی تشکر ویژه‌ای از دبیران علمی و اجرایی این همایش به عمل آورد و دانشجویان را به کاستن از روحیه محافظه‌کاری و داشتن دیدی باز در این حوزه دعوت کرد. در پایان دکتر بختیاری یکی دیگر از دبیران علمی این همایش، تشکر ویژه‌ای از آقای امیر احمدی مدیر نشر نویسه پارس و یار دیرین انجمن و همین طور سرکار خانم زهرا ابراهیم بانکی، دبیر



«جایگاه مسأله در پژوهش‌های تاریخی»

سومین نشست مسأله‌مندی توسط گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده علوم تاریخی در سالن اندیشه پژوهشگاه، با حضور استادان، دانشجویان و علاقه‌مندان برگزار شد. سخنران این نشست دکتر رضوی هیأت علمی دانشگاه خوارزمی بودند که ابتدای جلسه اعلام امیدواری کرد که طرح این بحث توسط ایشان به یک دیالوگ بین اهل تاریخ تبدیل شود و بحث این نشست را در ادامه بحث خودشان در همایش نقد متون دانست. ایشان ابتدا این سؤال را مطرح کرد که اهل تاریخ در هنگام طرح مسأله در چه سطحی از آگاهی باید قرار داشته باشند؟ مسأله باید امری پیشینی بر مطالعات باشد یا امری پسینی؟ دکتر رضوی پس از طرح این موضوع به سه رهیافت درباره مسأله در پژوهش‌های تاریخی پرداخت.



رهیافت اول رهیافت سنتی (پوزیتیویستی): در این رهیافت پس از جمع‌آوری و نقد داده‌ها و اطلاعات موثق را مسأله می‌کنیم و درواقع طرح مسأله حاصل فکتولوژی است. این نگاه غالب در رشته تاریخ در جامعه ما بوده و است. در واقع این رهیافت قائل به مسأله نیست.

رهیافت دوم برعکس رویکرد اول قائل به مسأله است اما این مسئله را معطوف به گذشته می‌داند و وجه چگونگی و چرایی را در گذشته مورد بررسی قرار می‌دهند.

رهیافت سوم در مورد مسأله در پژوهش‌های تاریخی به دانش و بینش تاریخ‌شناسی

و معاصریت تاریخی معطوف می‌شود و مسأله در این رویکرد بر اساس نیازهای امروزی مطرح می‌شود. تاریخ‌شناس در این رویکرد با اشراف به گذشته و با تبحر در فضای حال طرح مسأله می‌کند و مسائل به معضلات مبتلابه گره می‌خورد، اما سؤال اینجاست که کدام دیدگاهشان معرفتی تاریخ را بالا می‌برد و چگونه یکی از این دیدگاه‌ها می‌تواند به کار برده شود و جوابگو باشد. دکتر رضوی رهیافت سوم را رهیافت مناسب‌تر و قابل‌قبول‌تری عنوان کرد. به باور وی تاریخ‌شناس مدام در حال اندیشیدن است. او در (فضای گفتمانی عصر حاضر) سیر می‌کند و با مورخ که در فضای گفتمانی گذشته سیر می‌کند تفاوت دارد. روی سخن دکتر رضوی در این گفتار با تاریخ‌شناس است و نه با مورخ. تاریخ‌شناسی که در پرتو نیاز روز موضوع و مسأله استخراج می‌کند و به دنبال پیدا کردن نقاط کور و دیده نشده است.

سپس ایشان بحث را بر روی چگونگی طرح مسأله برد و این سؤال را مطرح کرد که دانسته‌های پیشینی چه جایگاهی در طرح مسأله دارد. اگر مسأله را به دو شق چگونگی (متغیر وابسته) و چرایی متغیر مستقل تقسیم کنیم، تکلیفمان با بخش چگونگی مشخص است باید تا آنجا که می‌توانیم به جوانب کار اشراف پیدا کنیم؛ اما نکته مهم چرایی در طرح مسأله است. در طرح چرایی‌هاست که دانش و بینش و روش به کار ما می‌آید و می‌تواند ما را کمک کند. در چرایی‌هاست که ما نیاز به شناخت فضای گفتمانی عصر حاضر را حس می‌کنیم. اگر بحث چگونگی ما را سوار بر کار می‌کند و همگان بر سر آن به‌نوعی نگاه یکسانی دارند در بحث چرا نگاه‌ها بسیار متنوع و متفاوت می‌شود. (بر اساس مطالعات جانبی هر تاریخ‌شناسی به دنبال علل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی متفاوتی می‌رود). در واقع متغیر وابسته شناخته شده است و از گذشته می‌آید اما متغیر مستقل برگرفته از شرایط امروز است و بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد. تمایز تاریخ‌شناسی‌های متفاوت برحسب وجه چرایی و طرح متغیر مستقل شکل می‌گیرد و ما باید از متفکر انتظار داشته باشیم ابتدا هم وجه چگونگی و هم وجه چرایی کار خود را توضیح دهد. در واقع آنچه مورد نظر ماست خود مسأله است و اگر چگونگی و چرایی را خوب مطرح کنیم سؤال و فرضیه خودبه‌خود نمایان خواهند شد و طرح مسأله همه این‌ها را در برمی‌گیرد. به باور ایشان تاریخ اگر قرار است فایده‌ای برای زندگی کنونی ما داشته باشد دانش و بینش تاریخ‌شناس و فضای گفتمانی آن بسیار بر این موضوع تأثیرگذار است. با اتمام سخنان دکتر رضوی، دکتر علیرضا ملایی توانی به تفاوت دیدگاهشان با دکتر رضوی اشاره کرد. به باور ایشان نگاه گذشته‌گرا و تفنی به تاریخ را نمی‌توان مسأله محور دانست. دو دیدگاه بعدی که یکی بر خاسته از یک نگاه انتقادی به یک عصر و دوره است (مانند رویکرد انحطاط عباس اقبال درباره مغولان) و دیگری بررسی انتقادی همه آنچه در یک حوزه اتفاق افتاده و در هم آمیختن و نگاه انتقادی به این نظریات. این هر دو رویکرد مسئله‌محور هستند. به باور ایشان بیشتر گفته‌های دکتر رضوی درون رشته‌ای بود درحالی که نگاه جزیره‌ای به علوم انسانی امکان طرح مسئله را از ما می‌گیرد. به باور دکتر ملایی طرح مسأله بسیار مهم‌تر از پاسخ‌هایی است که به آن داده می‌شود. همچنین از دکتر رضوی سؤال شد که باوجود انتقاد به رویکرد پوزیتیویستی عملاً در میدانی که این رویکرد درست کرده است مطالب خود را عنوان می‌کنند.

سپس دکتر رضوی عنوان کرد که قائل به پای‌بندی به یک روش نیست و از هر روشی تا آنجا که به کارشان بیاید بهره‌برداری می‌کند و همچنین بحث خود را متوجه درس روش تحقیق در رشته تاریخ در دانشگاه دانست که با بحث‌های کلان روش تحقیق در علوم انسانی متفاوت است. ایشان هدفشان را رفع مشکل در سطح دانشگاهی و توانمند کردن دانشجویان برای طرح مسأله عنوان کرد و درنهایت ابراز امیدواری کرد که این جنس بحث‌ها رها نشود و در آینده تداوم پیدا کند.

«برهان خاص علامه طباطبایی در رساله الولایه و نقش آن به عنوان مبنایی برای تعریفی جدید از انسان و علوم انسانی»

پژوهشکده حکمت معاصر در روز سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت نشست با عنوان «برهان خاص علامه طباطبایی در رساله الولایه و نقش آن به عنوان مبنایی برای تعریفی جدید از انسان و علوم انسانی» با سخنرانی دکتر هادی وکیلی را در سالن حکمت از برگزار کرد. این رساله، از رساله‌های فلسفی-قرآنی و به تعبیری عقلی-نقلی و حتی به تعبیری از نوشته‌های شاخص عرفانی این حکیم مفسر است. واژه «الولایه» در این رساله صرفاً به معنای «قرب/تقرب» است و به ولایت به معنای ولایت در حسبه، مدیریت صغار و مجانین، ولایت فقهی-سیاسی یا ولایت به معنای حب و دوستی و غیره ربطی ندارد.

این رساله که در حجمی مختصر اما پرمغز و با نثری فصیح به نگارش درآمده، شامل ۵ فصل به شرح زیر است:



۱- ان لظاهر الدین باطنا

۲- ما هو الباطن للشریعة

۳- لاتختص الطريق الی الباطن بالانبیاء

۴- طریق الوصول الی الباطن و الحقیقة

۵- ما هو الکمال الحقیقی و حقیقه الحقایق

نظر ما در این بحث به خصوص به دو فصل اول و چهارم است. علامه طباطبایی در فصل اول، زندگی انسان را شامل سه نظام طبیعی (شامل حقایق طبیعی)، نظام انسانی (شامل نسبت‌های انسان با حقایق طبیعی) که منجر به تشکیل زندگی اجتماعی و مدنیت (لابشرط الشریعه و الدین) و زندگی دینی و الوهیت

(بشرط الشریعه و الدین) و نظام الاهی (شامل نسبت انسان با حقیقت/ حقایق (زندگی عرفانی)) می‌داند. از نظر ایشان دو مرتبه حقایق پیشا وجودی/ خلقی به عنوان جهان مبدأ و حقایق پسا وجودی/ خلقی به عنوان جهان معاد، مراتب حقایق منفرد و بی‌نسبت هستند و لذا زندگی اجتماعی و احکام و قوانین مدنیت در آنها راه ندارد. مدنیت تنها مربوط به جهان فیما بین آنهاست که شامل حقایق طبیعی و اعتباریات انسانی می‌شود. موجودات افق زندگی مادی/ اجتماعی/ مدنی در این جهان، سه دسته هستند: (أ) موجودات مادی محض یا نیمه مجرد که نه صادر اول هستند و نه صائر آخر. حد وجودی این موجودات از صقع ماده تا عالم مثال است؛ بنابراین، به ساحت عقل مجرد راه ندارند.

(ب) موجودات مجرد محض یعنی فرشتگان و عقول مجرد که حد وجودی آنها از عالم عقول تا لقاءالله است.

(ت) موجودات مادی-مجرد که منحصر در انسان هستند و حد وجودی او از صقع ماده تا لقاءالله است.

انسان‌ها بر اساس دو تربیع عقل نظری (شامل عقل هیولانی، عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل بالمستفاد) و عقل عملی (شامل تخلیه، تجلیه، تخلیه و فنا)، مدارج صعودی و تحولات شهودی را در مسیر سیر از ظاهر عالم/عالم به سوی باطن/بواطن عوالم طی می‌کنند. علامه طباطبایی در فصل چهارم از این رساله، برهانی را شامل سه مقدمه طرح می‌کند که بر اساس این برهان، تعریفی جدید از انسان قابل اصطیاد است. طبق مفاد مقدمات این برهان به خصوص مقدمه سوم، انسان را نه فی‌المثل به «حیوان ناطق» چنان که ارسطو می‌گوید و نه «حیوان سمبل شناس» چنان که کاسیرر می‌گوید بلکه به «حیوان ولی» (حیوان ولیّ به حمل هو هو و حیوان ذوالولایه به حمل ذوهو) می‌توان تعریف کرد. «ولی» یعنی قابل للقرّب یا متقربّ که به معنای قابلیت تحصیل فنای شهودی در مقام ذات، صفات و افعال یعنی سه مرتبه از توحید ذاتی، صفاتی و افعالی می‌باشد.

علوم انسانی به مثابه علوم حاصل از اعتبارات برآمده از نسبت‌های چهارگانه انسان (نسبت با انسان‌های دیگر، نسبت با حقایق طبیعی، نسبت با خود و نسبت با حقیقه الحقایق(خدا))، علمی اعتباری هستند و هدف آنها بر مبنای تعریف جدید از انسان، تقرب و اتصال تدریجی آنها با حقیقت الاهی از طریق حیث التفاتی شهودی است که مستلزم بازتعریف آنها از این جهت است.



انتصاب اعضای شورای سیاستگذاری پنجمین جشنواره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه و رئیس جشنواره، طی احکام جداگانه‌ای اعضای شورای سیاستگذاری جشنواره را منصوب کرد.
آقایان سید سجاد علم‌الهدی، سید محمدرحیم ربانی‌زاده، محمود جنیدی‌جعفری، سید محسن علوی‌پور، محمدعلی معتضدیان، سید جواد میری‌منیق و سرکار خانم اشرف بروجردی طی احکام جداگانه به عضویت در شورای سیاستگذاری پنجمین جشنواره بین‌المللی امام علی پژوهی در آمدند.

صدور حکم اعضای مجمع عالی داوران پنجمین جشنواره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی

دکتر حسینعلی قبادی رئیس پژوهشگاه و رئیس جشنواره طی احکام جداگانه‌ای اعضای مجمع عالی داوران جشنواره را منصوب کرد.
آقایان پروفسور علی مهدی زیتون، پروفسور صلاح مهدی الفرطوسی، دکتر ظاهر نصیر، دکتر باسم الانصاری، دکتر علی اصغر پورعزت، دکتر محمدعلی آذرشب، دکتر محمدعلی شاه‌آبادی، دکتر محمدعلی فتح‌الهی، دکتر یدالله رفیعی، دکتر قیس آل قیس، دکتر داود مهدوی‌زادگان، آیت‌الله دین‌پرور، حجت‌الاسلام دکتر معزی، دکتر عبدالله قنبرلو، دکتر مصطفی دلشاد تهرانی، دکتر کاوس روحی، دکتر سید سجاد علم‌الهدی، دکتر سید محمدرحیم ربانی‌زاده، دکتر غلام‌علی افروز، دکتر مهدی گلشنی، دکتر علاءالدین شاهرخی. خانم‌ها دکتر مریم صانع پور، دکتر فاطمه احمدی، دکتر شکوه‌السادات حسینی، دکتر معصومه نعمتی، دکتر صابره سیاوشی.

